



# راهنمای حقوقی برای معترضان

## مسائل شکلی







# راهنمای حقوقی برای معترضان

## مسائل شکلی



---

**راهنمای حقوقی برای معترضان  
مسائل شکلی**

---

دادبان؛ مرکز مشاوره و آموزش حقوقی ویژه کنش‌گران

---

@ Dadban 2023

---

## فهرست

۷	پیش‌گفتار
۱۰	مراحل یک پرونده کیفری
۱۲	قوانین مرتبط
۱۴	ضابطین دادگستری چه کسانی هستند؟
۲۲	احضار شهروندان به مراجع قضایی، امنیتی و انتظامی
۲۴	تعهدنامه
۲۵	جلب و دستگیری
۲۹	تفتیش و بازرسی
۳۶	قرار نظارت قضایی
۴۴	بازداشتگاه‌های امنیتی
۵۰	نگاه‌داری متهمان در سلول‌های انفرادی
۵۱	ممنوع‌الخروجی
۵۵	حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی
۶۸	حق بهره‌مندی از خدمات وکیل
۷۶	اعترافات اجباری
۸۰	استراق سمع و هک شهروندان
۸۴	رسانه‌ای کردن پرونده
۸۶	نکات ضروری برای خانواده‌های بازداشتی‌ها
۹۱	نکات مهم در ارتباط با زندان



## پیش‌گفتار

تجربه بشر ثابت کرده است که بدون وجود یک سری قواعد و اصول الزام‌آوری در رسیدگی به پرونده‌های حقوقی، نمی‌توان حقیقت را کشف کرده و اختلاف حاصل شده در پرونده را به نفع اجتماع و شخص زیان دیده رفع کرد. در این راستا در طول سالیان دراز مقرراتی پیش‌بینی شد که اجازه ندهد دولت یا هر قدرت دیگری یک شهروند عادی را مورد ظلم و ستم قرار دهد.

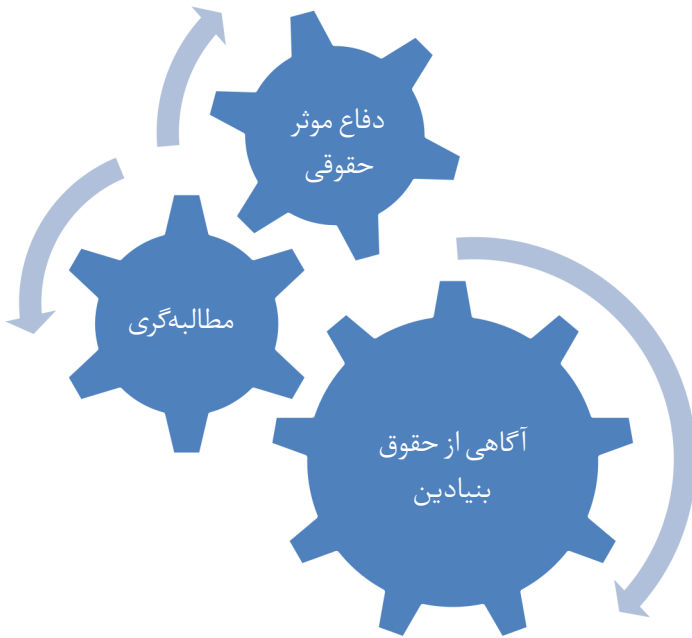
به هر حال با توجه به این‌که دولت‌ها به معنای عام قدرت بسیار بیش‌تری نسبت به یک شهروند عادی دارند، فقط قوانین الزام‌آور است که می‌تواند مقابل سوءاستفاده این قدرت در برابر شهروندان بایستد. این قوانین در طول تاریخ رشد و تعالی پیدا کرده‌اند؛ به نوعی که برخی از آن‌ها دیگر جهان شمول شده و تقریباً تمامی حکومت‌ها متعهد و ملزم به رعایت آن شده‌اند. وجود این قوانین الزام‌آور برای اصلاح دولت‌هایی که تمایل به استبداد دارند بیش از پیش اهمیت دارد. این‌گونه دولت‌ها

همیشه سعی می‌کنند با تصویب قوانین مخالف منافع عمومی یا زیرپا گذاشتن قوانین موجود، اعمال قدرت خود را با خدشه‌دار کردن آزادی‌های عمومی شهروندان ادامه دهند. در چنین جوامعی آگاهی شهروندان از حقوق بنیادین خود یکی از مهم‌ترین کنش‌هایی است که می‌توان تصور کرد. آگاهی شهروندان، به خصوص کنشگران مدنی، از حقوق بنیادین خود، یک: می‌تواند درجه آسیب‌پذیری آن‌ها از ناحیه حکومت را کاهش دهد، دو: قدرت مطالبه‌گری آن‌ها را تقویت خواهد کرد.

در ایران، که متأسفانه حکومت حتی قوانینی که خود تصویب کرده است را رعایت نمی‌کند، مطالبه‌گری و ملزم کردن حکومت به پای بندی به قوانین اهمیتی فوق‌العاده دارد. گام اول برای احقاق این امر مهم آگاهی از مقررات و قوانینی است که تضمین‌کننده حقوق شهروندان به خصوص در جریان یک پرونده کیفری است.

در پی اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱ در ایران که بعد از کشته شدن مهسا امینی شکل گرفت ده‌ها هزار نفر توسط نیروهای امنیتی و انتظامی دستگیر شدند، عده زیادی کشته و مجروح شده و تعداد قابل توجهی با احکام زندان و حتی اعدام مواجه شدند. این دایره وسیع نشان می‌دهد که هر شهروند فعالی با هر سطحی از اعتراض ممکن است با خطر دستگیری مواجه شود. به همین دلیل لازم است تمامی شهروندان، به خصوص شهروندانی که نوعی فعالیت سیاسی و مدنی دارند، با قوانین و مقررات موجود آشنا شوند تا در صورت مواجهه با هر مشکلی بتوانند تا حد ممکن وکیل خود باشند و از خود نزد مراجع مربوطه دفاع حقوقی کنند.





به همین منظور در این کتابچه سعی شده است مسائل مهم و کاربردی که لازم است یک شهروند یا کنشگر مدنی و سیاسی در ایران از آن آگاهی داشته باشد ارائه شود. در این کتابچه صرفاً مسائل شکلی مربوط به نحوه رسیدگی به یک پرونده کیفری گنجانده شده است. مسائل ماهوی یعنی نکات حقوقی مربوط به جرایمی که معمولاً به معترضین نسبت داده می‌شود در کتابچه دیگری طرح خواهد شد.

دادبان؛ مرکز مشاوره و آموزش حقوقی ویژه کنشگران  
پاییز ۱۴۰۲ خورشیدی

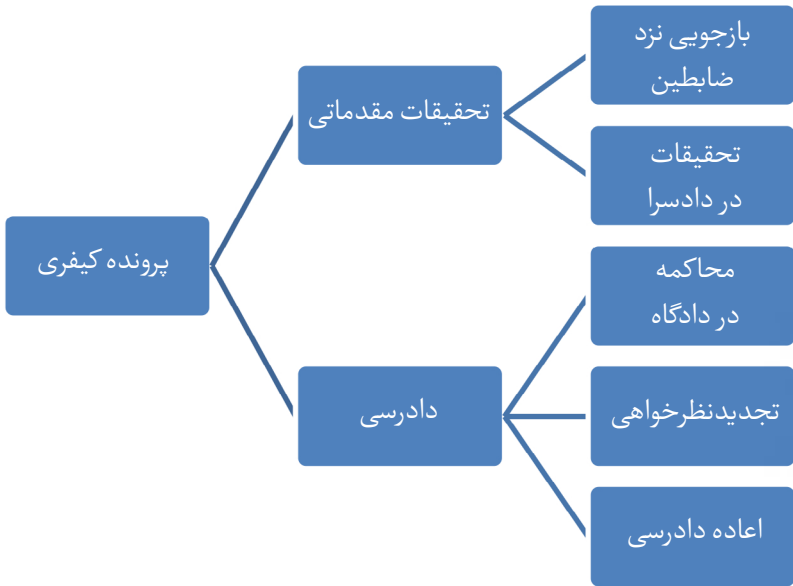
## مراحل یک پرونده کیفری

به طور کلی در یک پرونده کیفری دو مرحله عمده وجود دارد:

۱- مرحله تحقیقات مقدماتی

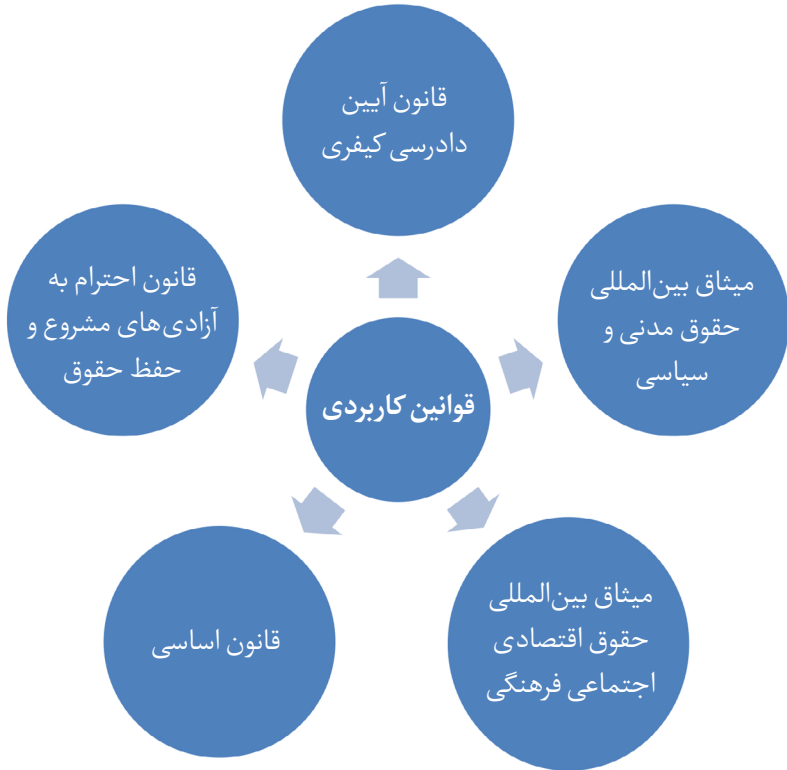
۲- مرحله دادرسی

مرحله تحقیقات مقدماتی را می‌توان به بازجویی نزد ضابطین قضایی و تحقیقات در دادسرا تقسیم کرد. همچنین در مرحله دادرسی نیز سه بخش «محاكمه در دادگاه»، «تجدیدنظرخواهی» و نهایتاً «اعاده دادرسی» وجود دارد. برخی از مقررات شکلی در مورد همه این مراحل صادق است؛ مثل حق بهره‌مندی از وکیل، اما برخی از مقررات صرفاً در یک مرحله یا حتی یک بخش صادق است؛ مانند حق تماس تلفنی با خانواده.



## قوانین مرتبط

در هر یک از مراحل و بخش‌های فوق یک سری قواعد و اصولی وجود دارد که رعایت نکردن آن‌ها سلامت رسیدگی به یک پرونده کیفری را مخدوش می‌کند. در حقیقت در طول سالیان دراز قانون‌گذاران برای این‌که یک شخص در جریان یک پرونده مورد ستم و ظلم قرار نگیرد و حقیقت آن‌گونه که هست کشف شود و تجلی پیدا کند اصولی در قوانین پیش‌بینی کرده‌اند که مربوط به نحوه رسیدگی به یک پرونده است و باید رعایت شوند. این اصول باعث تحقق دادرسی عادلانه می‌شود. این اصول و قواعد بیشتر در قانون آیین دادرسی کیفری منعکس است اما برخی از دیگر قوانین نیز مقرراتی در مورد آن پیش‌بینی کرده‌اند. قوانینی که لازم است یک کنشگر مدنی در رابطه با نحوه رسیدگی به یک پرونده کیفری مطالعه کند در نمودار زیر گنجانده شده است.



## ضابطین دادگستری چه کسانی هستند؟

ضابطین دادگستری به مامورانی گفته می‌شود که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم، حفظ آثار و علائم جرم، جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند.

فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی و همچنین رؤسا، معاونان، ماموران زندان‌ها نسبت به امور مربوط به زندانیان، ماموران وزارت اطلاعات و ماموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آن‌ها محول می‌گردد ضابط قضایی محسوب می‌شوند.

ضابطین دادگستری به ضابطین عام و ضابطین خاص تقسیم می‌شوند. ضابطین عام مامورانی هستند که در مورد تمامی جرایم ضابط

محسوب می‌شوند؛ مانند ماموران نیروی انتظامی. ضابطین خاص مامورانی هستند که فقط در موارد محدودی که قوانین به صورت موردی به آن‌ها وظایف مربوط به ضابط را محول کرده است ضابط محسوب می‌شوند؛ مانند ماموران وزارت اطلاعات.

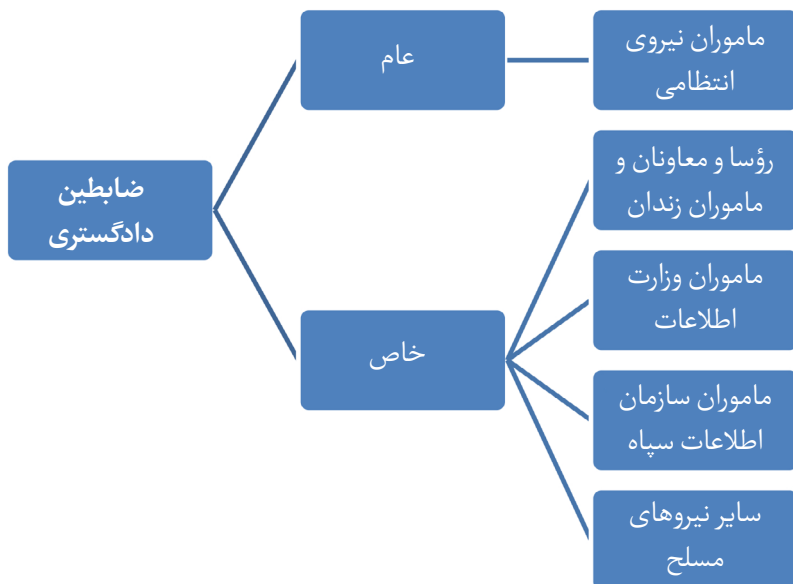


شخص ضابط باید مورد وثوق و اطمینان مسئولین قضایی باشد، حتما باید مهارت‌های لازم مربوط به ضابط‌بودن را با طی دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوطه گذرانده و کارت ویژه ضابطان دادگستری را اخذ کرده باشند. به عبارت دیگر مامورانی که مورد وثوق و اطمینان مرجع قضایی نباشند و مهارت‌های لازم را به موجب دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی طی و کارت ویژه ضابطین دادگستری را اخذ نکنند،

نمی‌توانند به عنوان ضابط دادگستری عمل کنند و در چنین صورتی انجام تحقیقات و هر گونه اقدامی تحت عنوان ضابط دادگستری از ناحیه آنان ممنوع بوده و فاقد اعتبار قانونی است.

ضمناً ماموران وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، بلکه تحت نظارت ضابطان انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات آنان با ضابطان است. این مسئولیت نافی مسئولیت کارکنان وظیفه نیست.

ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان است و سایر مقامات قضایی نیز صرفاً در اموری که به ضابطان ارجاع می‌دهند حق نظارت دارند. هیچ یک از مقامات قضایی حق ارجاع امری را به ماموران و مقاماتی که بر حسب قانون ضابط تلقی نمی‌شوند ندارند. مواد ۲۸ تا ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری به مقررات مربوط به ضابطین اختصاص داده شده است.





## آیا نیروهای امنیتی ضابط دادگستری هستند؟

در مورد میزان و قلمرو اختیارات وزارت اطلاعات در پرونده‌های سیاسی و امنیتی مباحث مختلفی تاکنون مطرح شده است. برخی معتقدند که در مورد جرایم علیه امنیت، وزارت اطلاعات ضابط محسوب می‌شود و برخی دیگر معتقدند که وزارت اطلاعات ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند. در نتیجه این مباحث، قوه قضاییه اقدام به صدور بخشنامه کرده است. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در این مورد چندین نظریه مشورتی اعلام کرده است. بر اساس بخشنامه‌ای که قوه قضاییه در سال ۱۳۷۳ صادر کرد، ماموران وزارت اطلاعات در مورد جرایم علیه امنیت ضابط دادگستری اعلام شده‌اند اما اداره حقوقی قوه قضاییه چندین بار اعلام کرده است که ماموران وزارت اطلاعات ضابط دادگستری نیستند. قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز در این مورد مقرراتی دارد که ذیلاً آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

قبل از پرداختن به قوانین ایران لازم به ذکر است که ضابط بودن یا نبودن ماموران وزارت اطلاعات نتایج حقوقی مختلفی را خواهد داشت. چنانچه معتقد باشیم وزارت اطلاعات ضابط دادگستری نیست، ماموران این وزارتخانه نمی‌توانند متهمان سیاسی را در بازداشتگاه امنیتی نگاه دارند و تمام تحقیقات مقدماتی را خود انجام دهند؛ زیرا بر اساس قوانین، مقام قضایی تحقیقات را فقط به ضابطین دادگستری می‌تواند ارجاع دهد. بنابراین انجام تحقیقات توسط غیر ضابطین صحیح نبوده و موجب بطلان تحقیقات خواهد شد. اما چنانچه ماموران وزارت اطلاعات ضابط دادگستری باشند می‌توانند در مورد جرایم سیاسی به بازجویی از متهم بپردازند و در این مورد تحقیقات مقدماتی را انجام دهند.

اولین قانون موجود در این زمینه، قانون تاسیس وزارت اطلاعات مصوب سال ۱۳۶۲ است. این قانون وظایف وزارت اطلاعات را تعیین

کرده است. با دقت به موارد این قانون درمی یابیم که وزارت اطلاعات صرفاً مسئول کشف جرایم سیاسی و امنیتی است و به عنوان یک ضابط دادگستری محسوب نمی شود. در ماده ۴ این قانون آمده است:

کلیه امور اجرایی امنیت داخلی بر عهده ضابطین قوه قضاییه می باشد.

تبصره ۱- وزارت اطلاعات قبل از عملیات، اطلاعات لازم را در اختیار ضابطین قرار خواهد داد.

تبصره ۲- ضابطین، کلیه اسناد و مدارک اطلاعاتی را که در حین عملیات به دست می آورند، بلافاصله به وزارت اطلاعات تحویل خواهند داد.

با دقت در این ماده می بینیم که قانون گذار صرفاً کشف جرایم امنیتی را بر عهده ماموران وزارت اطلاعات گذاشته و مقرر کرده است که عملیات اجرایی بر عهده ضابطین خواهد بود. پس به راحتی می توان گفت که ماموران وزارت اطلاعات بر اساس این قانون ضابط دادگستری نبوده و نمی توانند اقدام به دستگیری متهمان سیاسی یا مطبوعاتی کرده و تحقیقات مقدماتی را انجام دهند؛ زیرا تمامی این امور نه بر عهده آنها بلکه از وظایف ضابطین دادگستری محسوب می شوند.

در قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز سخنی از ضابط بودن ماموران وزارت اطلاعات به عمل نیامده بود. ماده ۱۵ این قانون ضابطین را بر شمرده بود لکن نامی از وزارت اطلاعات در میان نبود.

پس از تصویب قانون برنامه چهارم توسعه در سال ۱۳۸۴، ضابط نبودن

ماموران وزارت اطلاعات بیش از پیش قوت گرفت. این قانون ماموران وزارت اطلاعات را صرفاً در کشف مفسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی ضابط دادگستری دانسته است. (بند ب، ماده ۱۲۴) با این وصف ماموران وزارت اطلاعات نمی‌توانستند اقدام به دستگیری متهمان سیاسی و بازجویی از آنان کنند. ماموران وزارت اطلاعات صرفاً به عنوان کارشناس امنیتی در پرونده‌های سیاسی حق حضور داشتند و این وظیفه به حدی نبود که متهم را ماه‌ها در بازداشتگاه خود نگاه دارند و اقدام به بازجویی از وی و تشکیل پرونده کنند.

با وجود صراحت قانون، مقامات قضایی و مسئولین وزارت اطلاعات از قوانین تخلف کرده و تحقیقات مقدماتی را بر عهده ماموران این وزارتخانه می‌گذاشتند. حقوق دانان و وکلا بارها به این تخلف انتقاد کرده‌اند. بیش‌تر وکلای فعال در زمینه حقوق بشر این تخلف را در دفاع از موکلین خود ابراز می‌داشتند اما گوش شنوایی وجود نداشت. این تخلف به حدی صورت می‌گرفت که دیگر برای مقامات قضایی عادی شده بود و حتی بسیاری از آن‌ها تصویری جز ضابط دادگستری بودن ماموران وزارت اطلاعات نداشتند. به عبارتی سال‌ها عمل خلاف قانون، باعث شده بود که مقامات قضایی این تخلف را بر حسب عادت، قانونی بدانند.

به هر حال بحث بر سر ضابط بودن یا نبودن ماموران وزارت اطلاعات سبب شد که اداره حقوقی قوه قضاییه در چندین نظریه خود اعلام دارد که ماموران وزارت اطلاعات ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند. در نظریه شماره ۷/۲۱۳۲ - ۱۳۸۹/۴/۷ این اداره صراحتاً اعلام می‌کند:

ماموران وزارت اطلاعات در زمره ضابطین دادگستری نمی‌باشند و ارجاع وظایف ضابطین موصوف به آنان با قانون مطابقت ندارد، لیکن طبق بند «۵» ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ماموران وزارت

مذکور، منحصرأ در حدود بند «ب» ماده (۱۲۴) قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ در کشف مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی در مقام ضابط قوه قضاییه اقدامات لازم را به عمل می‌آورند و در سایر موارد به موجب ماده (۴) قانون تاسیس وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲ ماموران آن وزارتخانه باید اقدامات اجرایی خود را به وسیله ضابطین دادگستری انجام دهند.

این نظرات و همچنین انتقادات فراوان حقوق دانان و وکلا، قانون‌گذاران را به فکر چاره انداخت. در سال ۱۳۸۹ قانون برنامه پنجم توسعه تصویب شد. در این قانون وزارت اطلاعات در جرایم سازمان‌یافته امنیتی ضابط دادگستری شناخته شد. بر طبق بند ب ماده ۲۰۵ این قانون، یکی از وظایف وزارت اطلاعات عبارت است از: «پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرایم سازمان‌یافته ضد امنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی در مقام ضابط دادگستری.»

اما این مقررره بیانگر آن است که ماموران وزارت اطلاعات صرفاً در مورد جرایم سازمان‌یافته امنیتی، ضابط دادگستری هستند، نه جرایم ساده امنیتی. جرایم سازمان‌یافته آن دسته از جرایمی هستند که به صورت سیستماتیک و گروهی در یک جغرافیای وسیع و علیه عده زیادی از افراد به وقوع می‌پیوندند. بنابراین یک فعال سیاسی چنانچه متهم به تبلیغ علیه نظام شود یا به اتهام تشکیل گروه غیرقانونی دستگیر شده و یا اگر یک خبرنگار به اتهام امنیتی بازداشت شود، مشمول این ماده نخواهد شد. پس ماموران وزارت اطلاعات باز هم حق ندارند اقدام به دستگیری و بازجویی از یک متهم سیاسی کنند؛ چراکه این متهم مرتکب جرم سازمان‌یافته امنیتی نشده است.

در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز ماموران وزارت اطلاعات در حیطه قوانین خاص ضابط دادگستری هستند. بدین معنی که با توجه به قوانینی همچون قانون تاسیس وزارت اطلاعات و قانون برنامه پنجم توسعه، ماموران وزارت اطلاعات نسبت به جرایم غیرسازمان یافته امنیتی و مطبوعاتی ضابط نبوده و نمی توانند در این پرونده ها جز در کشف جرم دخالت کنند. با این وجود متأسفانه مقامات قضایی و وزارت اطلاعات خود را پای بند به قوانین ندانسته و آشکارا آن ها را زیر پا می گذارند. دخالت وزارت اطلاعات در پرونده های سیاسی از اساس نادرست بوده و باعث می شود که تحقیقات مقدماتی اعتبار خود را از دست دهد.

## احضار شهروندان به مراجع قضایی، امنیتی و انتظامی

در اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ که بعد از کشته شدن مهسا امینی در ساختمان گشت ارشاد صورت گرفت شاهد بودیم که تعداد بسیاری از شهروندان توسط نیروهای امنیتی و یا انتظامی، به خصوص پلیس فتا یا پلیس امنیت اخلاقی، احضار شدند. این در حالی است که احضار شهروندان صرفاً با دستور مقام قضایی امکان‌پذیر است. به عبارتی نیروهای امنیتی و انتظامی نمی‌توانند شهروندان را بدون این‌که مقام قضایی دستور داده باشد احضار کرده و تحت بازجویی قرار دهند و یا از آن‌ها تعهد بگیرند. به همین دلیل توصیه می‌شود که به این احضارها توجه نشده و مراجعه نشود.

بهتر است شهروندی که توسط ماموران به هر طریقی احضار شده است، مراتب را با مراجعه به دادسرای عمومی و انقلاب محل به دادستان گزارش کند و در جواب ماموران اعلام دارد تا زمانی که از طریق مراجع

قضایی به صورت قانونی احضار نشده باشد، مراجعه نخواهد کرد.

احضار شهروندان از طریق دستگاه قضایی نیز ضوابطی دارد. این ضوابط در ماده ۱۶۸ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است. با توجه به راه اندازی سیستم قضایی الکترونیکی در کشور اشخاصی که در سامانه ثنا حساب کاربری دارند از این طریق احضار می‌شوند. اگر شخصی حساب کاربری در این سامانه نداشته باشد یا به صورت کتبی یا از طریق تلفن احضار می‌شود.

## تعهدنامه

در بسیاری از موارد مشاهده شده است که نیروهای امنیتی و انتظامی با احضار شهروندان از آنان تعهد می‌گیرند که دیگر فعالیتی نداشته باشند. متأسفانه اخذ تعهد در دادسرا توسط مقامات قضایی نیز رواج پیدا کرده است. تعهداتی که ماموران یا مقامات قضایی از شهروندان، مبنی بر عدم فعالیت سیاسی و مدنی می‌گیرند هیچ ارزش و اعتبار قانونی ندارد؛ یعنی این‌که شخصی که تعهد داده است موظف به رعایت آن نیست و در صورت عدم رعایت آن مرتکب جرمی نشده است. از طرف دیگر دادگاه‌ها نمی‌توانند این تعهدات را نوعی اقرار محسوب و بر اساس آن شخص را محکوم کنند. با این وجود توصیه می‌شود اشخاصی که به هر نحوی به مراجع امنیتی مراجعه می‌کنند نسبت به تعهد دادن مقاومت کنند و در صورتی که تحت فشار مجبور به تعهد دادن شده باشند حتماً مراتب امضا و اخذ تعهد به صورت غیرقانونی توسط ماموران را به دادستان محل و سایر مراجع از جمله دادسرای نظامی صالح و ماموران حفاظتی و بازرسان نیروی انتظامی یا اداره متبوع مامور گزارش کنند.



## جلب و دستگیری

### چه موقع دستگیرکردن یک شهروند مجاز است؟

برای این‌که بتوان یک شخص را دستگیر کرد ابتدا باید علیه او شکایتی مطرح و پرونده کیفری باز شده باشد. در جرایم خصوصی شاکی خصوصی باید شکایت کند و در جرایم عمومی دادستان. باید توجه کرد به صرف این‌که به کسی شک شود نمی‌توان او را دستگیر و پرونده کیفری علیه او باز کرد، بلکه قبل از دستگیری باید شواهد و قراینی وجود داشته باشد تا ظن قوی به ارتکاب جرم از ناحیه او پدید آید.

در بسیاری از پرونده‌های امنیتی و سیاسی مشاهده می‌شود بدون این‌که شواهد و قراین مستحکمی وجود داشته باشد مقام قضایی علیه یک شهروند طرح دعوی می‌کند و بعد از دستگیری به دنبال دلایل ارتکاب جرم که عمدتاً اعتراف‌گیری است می‌روند. این رویه غیرقانونی است.

## ضوابط جلب

بر اساس یک تقسیم‌بندی جرایم به دو نوع مشهود و غیرمشهود تقسیم می‌شوند. جرایم مشهود جرایمی هستند که در معرض دید ضابطین قضایی صورت می‌گیرند. مابقی جرایم از نوع غیرمشهود است. در جرایم مشهود ضابطین دادگستری حق دستگیری فرد را دارند اما بلافاصله بعد از دستگیری باید موضوع را برای کسب تکلیف به مقام قضایی اطلاع دهند. در جرایم غیرمشهود ضابطین حق دستگیری افراد را ندارند؛ باید موضوع را به مقام قضایی اطلاع داده و اگر مقام قضایی تشخیص داد می‌تواند حکم جلب صادر کند. در حکم جلب باید آدرس شخص نیز ذکر شود.

اگر جلب با ورود به یک مکان باید صورت گیرد حتما در دستور قضایی باید اجازه ورود نیز ذکر شود. ضابطین قضایی باید به محل مربوطه مراجعه کرده و در روز روشن و ضمن معرفی خویش و ارائه کارت شناسایی و کارت ویژه ضابط بودن خویش و دستور قضایی، با رعایت موازین قانونی و شرعی و در نهایت احترام، نسبت به اجرای دستور قضایی اقدام و مشاهدات خویش و کلیه اقدامات به عمل آمده در محل را با تنظیم صورت جلسه قید کنند و به امضای حاضرین در محل برسانند. اگر کسی در محل نباشد و در محل نیز باز نباشد؛ حق فک قفل بدون اخذ دستور قضایی را ندارند. ورود ماموران به منزل و اقامتگاه اشخاص به صورت شبانه، مستلزم وجود دستور قضایی خاص با حق ورود ماموران به صورت شبانه با دفعات مشخص است. در غیر این موارد ماموران حق ورود به منازل، محل اقامت، محل کار یا مخفیگاه متهمان را ندارند.

جلب یا ورود به اماکن بدون دستور مقام قضایی ممنوع و جرم است. مستند قانونی آن ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)

است. در این ماده آمده است:

هر کس از مقامات یا مامورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از هشتاد میلیون (۸۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود اگر شهروندان با چنین امری مواجه شدند حتما شکایت کنند. مرجع شکایت حسب مورد دادسرای نظامی یا دادسرای عمومی و انقلاب است.



## تفتیش و بازرسی

هدف از تفتیش و بازرسی اماکن و اشیا این است که دلایل ارتکاب جرم کشف شود. تفتیش و بازرسی دارای قواعد و اصولی است که در قانون آیین دادرسی کیفری مواد متعددی به آن اختصاص داده شده است. مهم‌ترین این اصول عبارتند از:

۱- برای تفتیش و بازرسی منزل، محل کار و اشیای یک شهروند نیاز به داشتن حکم خاص از مراجع قضایی است. این حکم با حکم جلب متفاوت است. بنابراین نمی‌توان صرفاً با حکم جلب و دستگیری به بازرسی و توقیف وسایل فردی پرداخت که حکم دستگیری او صادر شده است.

۲- بازرسی و ضبط اشیا باید در روز به عمل آید، مگر این‌که ضرورت داشته باشد. در این صورت باید توسط قاضی توضیح داده شود.

۳- از روی حدس و گمان مقام قضایی نمی‌تواند حکم به بازرسی

اشیا صادر کند و لازم است ظن قوی برای کشف آلات جرم وجود داشته باشد.

۴- بازرسی و تفتیش باید در حضور صاحب اشیا و یا متصرف قانونی انجام شود و چنانچه مالک حضور نداشته باشد باید در حضور فرد دیگری از حضار که سن بیش‌تری از دیگران دارد صورت بگیرد.

۵- صرفاً اشیا‌یی که مرتبط با جرم است می‌تواند توقیف شود و دیگر اشیا و لوازم قابلیت ضبط ندارند.

۶- حین بازرسی و ضبط اشیا نباید کوچک‌ترین آسیبی بدان‌ها وارد شود.

۷- همه اشیا‌ی توقیف‌شده باید لیست شده و در صورت مجلس قید و به امضای مالک یا حاضرین رسیده و به صاحبش رسید داده شود.

۸- حق بازرسی و ضبط اشیا صرفاً با قاضی مربوطه یا ضابطین است. بنابراین با توجه به این‌که ماموران وزارت اطلاعات تنها در جرایم سازمان‌یافته امنیتی ضابط هستند در سایر موارد جرایم سیاسی و امنیتی حق تفتیش و ضبط اموال متهم را ندارند.

۹- بازرسی وسایل صوتی و تصویری، مراسلات پستی و مخابراتی باید توسط قاضی به رؤیت متهم رسیده و امضای وی گرفته شود. بر این اساس توقیف و بازرسی وسایلی همچون دوربین و کیس کامپیوتر باید به اطلاع متهم رسیده و در صورت مجلس قید شود.

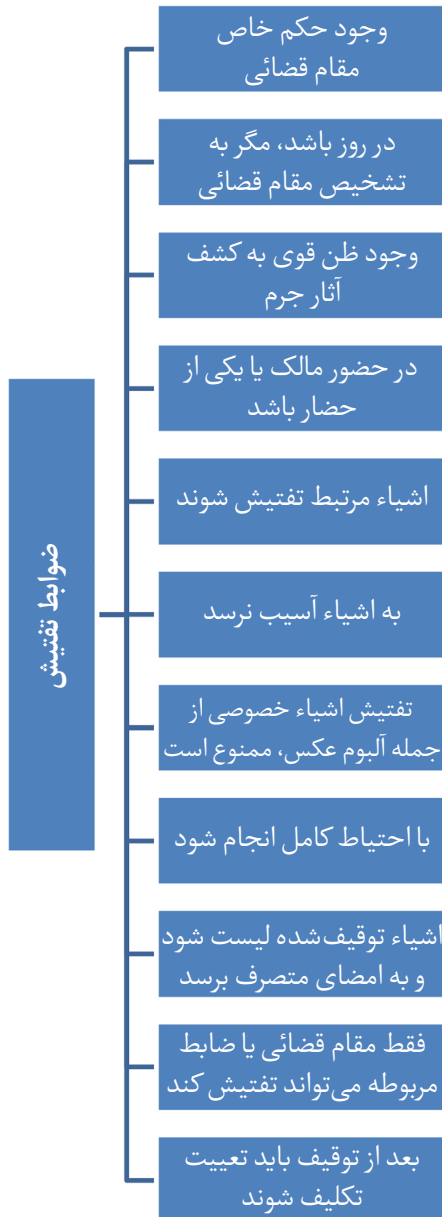
۱۰- قاضی باید در حکم یا قرار صادره تکلیف اشیا‌ی ضبط‌شده را مشخص و دستور استرداد آن‌ها را بدهد. و تا زمانی که این دستور صادر نشده است باید از اشیا در کمال احتیاط مراقبت به عمل آید.

۱۱- بازرسی و ضبط اشیا باید در احتیاط کامل انجام شده و از تعرض نسبت به مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.

۱۲- از بین بردن اشیا و محتویات آن‌ها ممنوع است، مگر این‌که آلات جرم بوده و قاضی دادگاه امحای آن را تشخیص دهد. در غیر این صورت ضابطین قوه قضاییه و یا ماموران امنیتی حقی بر از بین بردن اشیا و یا محتویات آن ندارند.

این‌ها مهم‌ترین مواردی است که دستگیرشدگان، به‌ویژه فعالان سیاسی و اجتماعی، باید به آن‌ها توجه کنند.

از میان موارد گفته‌شده دقت در لیست‌کردن و گرفتن رسید به هنگام ضبط اشیا بسیار حائز اهمیت است. چنانچه نهادهای توقیف‌کننده از استرداد اشیای توقیف‌شده امتناع کنند، مالک اشیا می‌تواند در صورتی که دادگاه دستور رفع توقیف و استرداد را نداده باشد، صدور این دستور را از دادگاه رسیدگی‌کننده به اصل موضوع بخواهد. در صورت وجود چنین دستوری و امتناع نهادهای مسئول طرح دعوی الزام به استرداد میسر است. در صورتی هم که به وسایل آسیبی رسیده باشد و یا محتویات آن‌ها از بین رفته باشد شکایت در قالب تخریب و طلب خسارت امکان‌پذیر است. گرچه در مواردی که طرف دعوا یک نهاد امنیتی باشد دادگاه‌ها تمایلی برای صدور حکم به نفع شاکی ندارند.





## رفع توقیف از اشیای ضبط شده

بر اساس ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقام قضایی مکلف به تعیین تکلیف اشیای توقیفی است؛ زیرا در این ماده به صراحت آمده است که بازپرس در صورت صدور قرار منع، موقوفی یا ترک تعقیب باید درباره استرداد یا معدوم کردن اشیای و اموال مکشوفه که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده یا از جرم تحصیل شده، حین ارتکاب استعمال شده یا برای استعمال اختصاص داده شده است، تعیین تکلیف کند. در مورد ضبط این اموال یا اشیای دادگاه تکلیف آن‌ها را تعیین می‌کند. بازپرس مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذی نفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیای مذکور را صادر کند:

- الف- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیای و اموال در بازپرسی لازم نباشد.
- ب- اشیای و اموال بلامعارض باشند.
- ج- از اشیای و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم شود.

ضمناً در صورت عدم مراجعه مالک، اعم از متهم یا شخص ثالث، بازپرس یا دادستان نیز شخصا در هنگام صدور رای باید ضمن قرارهای صادره تکلیف اموال و اشیای مذکور را تعیین نمایند و یا با صدور قرار جلب به دادرسی، کیفرخواست پرونده را به دادگاه‌های کیفری ارسال نمایند. البته بازپرس و دادستان حق ضبط یا معدوم نمودن اشیای را ندارند. قضات دادگاه‌های کیفری نیز در حین رسیدگی می‌توانند قبل از صدور رای با تقاضای ذی نفع دستور رد و استرداد اشیای و اموال توقیفی را بدهند، در غیر این صورت مکلفند ضمن صدور حکم تکلیف آن‌ها را مشخص نمایند و اگر حکم به ضبط یا معدوم نمودن دادند، شخص ذی نفع و مالک - هرچند از طرفین پرونده نباشد - به عنوان شخص ثالث و متضرر

از حکم صادره می‌تواند به آن اعتراض نماید؛ هر چند رای صادره نسبت به اصل موضوع پرونده قابل اعتراض نباشد.

همچنین در تمام امور کیفری دادگاه نیز باید در آرای صادره تکلیف اموال توقیف شده را مشخص کند و نسبت به استرداد، ضبط یا معدوم کردن اشیاء و اموال توقیف شده تصمیم قطعی اتخاذ نماید. اگر بر اثر سهل انگاری ماموران یا متصدیان امور مربوط به توقیف و نگهداری، اموال توقیف شده تخریب شوند و آسیب ببینند آن اشخاص، اعم از ماموران یا مقامات قضایی، نه تنها در مقابل مالک آن مسئول خواهند بود بلکه در صورت عمدی بودن اقدامات، آن شخص به اتهام تخریب اموال یا سهل انگاری در انجام وظیفه منجر به ورود خسارت مالی به مالک، قابل تعقیب است.

### آیا بازرسی تلفن شهروندان در خیابان قانونی است؟

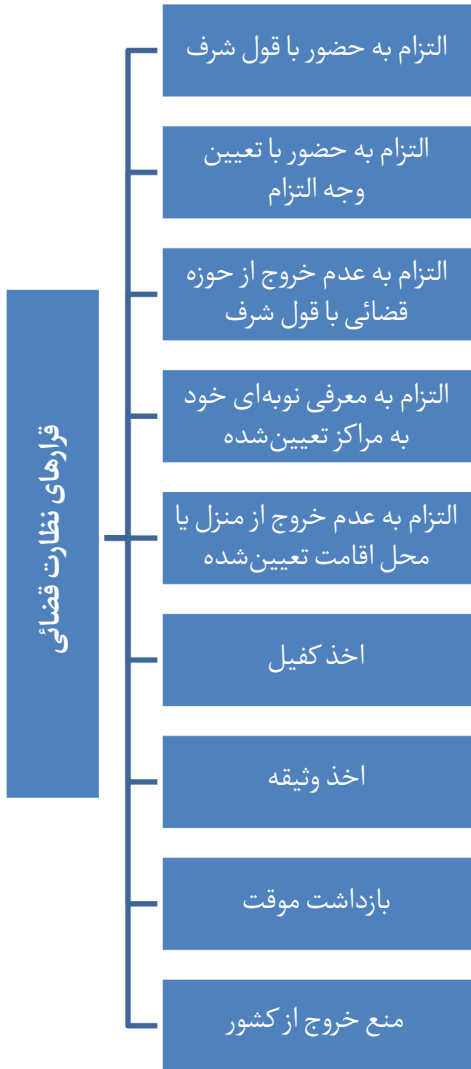
در اعتراضات سال‌های اخیر، به ویژه اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، بارها مشاهده شده است که ماموران انتظامی و امنیتی بدون این که حکم قضایی داشته باشند در معابر عمومی اقدام به گرفتن تلفن همراه عابری و بازرسی محتوای آن کرده‌اند. همان طور که گفته شد برای تفتیش اشیاء یکم، باید پرونده کیفری علیه شخص وجود داشته باشد، و دوم: مقام قضایی دستور آن را داده باشد. به همین دلیل این اقدام ماموران کاملاً خلاف قانون است.

به شهروندان پیشنهاد می‌شود تا حد ممکن در مقابل درخواست این ماموران مقاومت کنند. از طرف دیگر در صورت توقیف گوشی فی الفور از مقام قضایی تقاضای رفع توقیف کنند. اگر مقام قضایی دستور توقیف و تفتیش گوشی را داده باشد بعد از کنترل آن اصولاً باید رفع توقیف شود؛

چون آنچه که موضوع تحقیقات است محتوای داخل گوشی است، نه خود آن.

## قرار نظارت قضایی

قرارهای نظارت قضایی به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم و در صورت وجود دلایل کافی توسط بازپرس صادر می‌شود. این قرارها انواع مختلفی دارند اما مهم‌ترین آن‌ها که در اکثریت قریب به اتفاق پرونده‌های کیفری صادر می‌شود قرار وثیقه، قرار کفالت و قرار بازداشت موقت است. در ادامه این سه قرار را توضیح خواهیم داد.



## قرار کفالت

قرار کفالت که معمولا در جرایم سبک صادر می‌شود به این معناست که بازپرس تصمیم می‌گیرد که متهم در قبال معرفی کفیل موقتا آزاد شود. معمولا از کفیل فیش حقوقی یا پروانه کسب مطالبه می‌شود. بازپرس مقدار کفالت را هم معین می‌کند.

## قرار وثیقه

قرار وثیقه معمولا در جرایم میانی یعنی نه سبک نه جرم زیاد سنگین صادر می‌شود. در این نوع قرار بازپرس تصمیم می‌گیرد که متهم در قبال تودیع وثیقه موقتا آزاد شود. وثیقه می‌تواند سند ملکی، وجه نقد و حتی اموال منقول از جمله خودرو باشد.

چنانچه متهم وثیقه یا کفالت را تامین کند مرجع قضایی موظف به قبول آن و آزاد کردن متهم است. بنابراین قاضی نمی‌تواند وثیقه یا کفالت را قبول نکند و یا این‌که علی‌رغم قبول، متهم را همچنان در بازداشت نگه دارد. اما بعضا مشاهده می‌شود، به خصوص در پرونده‌های سیاسی و امنیتی، قرار وثیقه صادر شده، اما مقام قضایی از قبول آن امتناع می‌کند تا متهم در بازداشت بماند. این عمل برخلاف قانون بوده و علاوه بر این‌که تخلف انتظامی محسوب می‌شود، می‌تواند از مصادیق حبس غیرقانونی و سلب آزادی بدون مجوز قانونی نیز باشد. بنابراین ادامه حبس متهمی که در مورد آن قرار کفالت یا وثیقه صادر شده است علی‌رغم معرفی کفیل یا وثیقه فاقد وجاهت قانونی است.

همچنین مطابق تبصره ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «مرجع صادرکننده قرار و رئیس یا معاون زندان مکلفند تمهیدات لازم را به منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه‌گذار

معرفی می‌کند، فراهم کنند و هر زمان متهم، کفیل یا وثیقه معرفی نماید هرچند خارج از وقت اداری باشد، در صورت وجود شرایط قانونی، مرجع صادرکننده قرار یا قاضی کشیک مکلف به پذیرش آن هستند.»

### قرار بازداشت موقت

در این نوع قرار، بازپرس تصمیم می‌گیرد که متهم برای مدتی و یا تا تعیین تکلیف در دادگاه و یا تا زمانی که برای تحقیقات بازداشت ضروری است در بازداشت بماند. باید توجه شود که صدور قرار بازداشت موقت یک استثنا است و فقط در شرایط خاصی بازپرس می‌تواند آن را صادر کند.

### ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری:

صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرایم زیر، که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:

الف- جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است.

ب- جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است.

پ- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آن‌ها درجه پنج و بالاتر است.

ت- ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر،

قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

ث- سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور باشد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در مورد جرایم امنیتی، بازپرس زمانی می‌تواند قرار بازداشت موقت صادر کند که مجازات آن درجه پنج یا بالاتر باشد. یعنی فقط در جرایمی که حبس بیش‌تر از دو سال دارند امکان صدور قرار بازداشت موقت وجود دارد. این میزان در جرایم غیرامنیتی حبس بیش از پنج سال است. بنابراین در جرایمی مانند تبلیغ علیه نظام، اخلال در نظم، بی‌حجابی و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی امکان صدور قرار بازداشت موقت وجود ندارد.

علاوه بر این در صورتی که یک اتهام امنیتی شامل مجازات قانونی درجه پنج و بیش‌تر باشد، باز هم مقام قضایی برای صدور قرار بازداشت موقت محدودیت‌هایی دارد. یعنی به صرف این‌که یک شخص، متهم به یک جرم امنیتی با مجازات درجه ۵ و بالاتر شد نمی‌توان برای او قرار بازداشت موقت صادر کرد بلکه باید دلایلی برای بازداشت موقت وجود داشته باشد. این دلایل که در ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است عبارتند از:

الف- آزادبودن متهم موجب ازبین‌رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود



شهود از ادای شهادت امتناع کنند.

ب- بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.

پ- آزادبودن متهم محل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

همچنین قرار تامین از جمله قرار بازداشت باید متناسب با وضعیت جسمی و روحی متهم باشد.

### ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری:

قرار تامین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.

با این توضیح نمی توان یک فعال سیاسی مسن که به جرم امنیتی متهم شده است را با قرار بازداشت موقت راهی زندان کرد؛ زیرا شرایط بازداشت با سن وی سازگار نیست. همچنین افرادی همچون روزنامه نگاران و وکلا را با توجه به شخصیت و حیثیت اجتماعی آنها، نمی توان به راحتی بازداشت کرد.

مدت بازداشت موقت نباید بیش تر از حداقل مجازات مقرر برای آن

جرم در قانون باشد. متهمی که در حق او قرار بازداشت موقت در دادسرا صادر شده است می‌تواند ظرف ده روز از ابلاغ این قرار به آن اعتراض کند. مرجع رسیدگی به این اعتراض دادگاه‌های عمومی و انقلاب خواهند بود. همچنین متهم هر موقع موجبات بازداشت خود را مرتفع ببیند می‌تواند از بازپرس پرونده تقاضای رفع بازداشت کند. در هر ماه یک بار متهم این حق را خواهد داشت. چنانچه قرار بازداشت موقت را دادگاه عمومی یا انقلاب صادر کرده باشد مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه تجدیدنظر خواهد بود.

در صورتی که مقامات قضایی مقررات گفته‌شده در مورد بازداشت موقت را رعایت نکنند، با محکومیت‌های انتظامی مواجه خواهند شد. بنابراین افرادی که به صورت غیرقانونی از طریق بازداشت موقت راهی زندان شده‌اند می‌توانند از قاضی دستوردهنده به دادگاه انتظامی قضات شکایت کنند. (تبصره ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری)

### ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری:

اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون، خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

شخص بازداشت‌شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رای قطعی مبنی بر بی‌گناهی خویش درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی مستقر در دادگستری کل استانی که در حوزه آن، حکم قطعی استنادی

وی صادر شده است تقدیم نماید. اعضای کمیسیون، متشکل از سه نفر از قضات دادگاه‌های تجدیدنظر استان، به درخواست متقاضی رسیدگی و در صورت احراز شرایط، حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کنند. در صورت رد درخواست نیز متقاضی می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را تقدیم کند. به اعتراض وی در کمیسیون ملی جبران خسارت، متشکل از رئیس دیوان عالی کشور و یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور، رسیدگی و حکم قطعی صادر خواهد شد.

بر اساس ماده ۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات اولیه باید به سرعت و به شکل مستمر انجام شود. همچنین ایام تعطیل نباید مانع ادامه تحقیقات مقدماتی باشد. بنابراین ماموران امنیتی نمی‌توانند نگاه‌داری متهمان امنیتی در بازداشتگاه‌های امنیتی را به بهانه بازجویی به درازا بکشند. این ماموران و مقامات قضایی باید با سرعت تحقیقات را به پایان رسانده و پرونده را به دادگاه بفرستند. با این وصف نگاه‌داشتن چند ماهه یا چندساله متهم در بازداشت موقت حتی با دستور مقام قضایی به نوعی ممنوع است؛ زیرا جز در موارد نادر، معمولاً امکان انجام تحقیقات مقدماتی نسبت به جرایم امنیتی در چند روز امکان‌پذیر است.

## بازداشتگاه‌های امنیتی

وقتی فردی دستگیر می‌شود، معمولاً بلافاصله به زندان منتقل نمی‌شود بلکه مدتی را در بازداشتگاه‌ها می‌گذراند. این بازداشتگاه‌ها مکان‌هایی غیر از زندان هستند که برای نگهداری موقت دستگیرشدگان تدارک دیده شده است. نگاه‌داری یک فرد در بازداشتگاه ممکن است به دلیل انجام تحقیقات اولیه بوده و یا به دلیل انتظار برای تعیین تکلیف قضایی باشد. برای مثال اگر فردی در یک درگیری خیابانی توسط ماموران نیروی انتظامی دستگیر شود، ابتدا به بازداشتگاه مستقر در کلانتری منتقل می‌شود تا در طول ۲۴ ساعت به مقام قضایی معرفی شده و تعیین تکلیف گردد.

اگر فردی توسط ماموران امنیتی دستگیر شود معمولاً به بازداشتگاه امنیتی منتقل خواهد شد. همچنین ممکن است مقام قضایی برای انجام تحقیقات مقدماتی، متهم را در اختیار نیروهای امنیتی یا انتظامی قرار دهد. در این صورت نیز متهم مدتی در بازداشتگاه امنیتی یا

بازداشتگاه انتظامی تحت نظارت و بازجویی قرار خواهد گرفت. متهمان امنیتی معمولاً در طول تحقیقات مقدماتی در بازداشتگاه‌های وزارت اطلاعات یا بازداشتگاه‌های سازمان اطلاعات سپاه نگهداری می‌شوند. بنابراین در یک نگاه کلی می‌توان محل نگهداری متهمان یا محکومین را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

۱- زندان‌ها که بر اساس تعریف آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها محلی هستند که در آن محکومین قطعی با معرفی مقامات ذی‌صلاح قضایی و قانون برای مدت معین یا به طور دائمی به منظور اصلاح و تربیت و تحمل کیفر نگهداری می‌شوند.

۲- بازداشتگاه‌ها که محل نگهداری موقت متهمان تا تعیین تکلیف نهایی و صدور حکم هستند.

۳- تحت نظرگاه که بر اساس تعریف آیین‌نامه اجرایی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی، مکان‌هایی هستند که متهمان حسب مورد به دستور مقام قضایی یا در جرایم مشهود به موجب قانون بر اساس گزارش کتبی ضابطان و مقامات ذی‌صلاح قانونی تا تسلیم به مقام قضایی و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت در آن محل نگهداری می‌شوند.

مقررات مربوط به این بازداشتگاه‌ها در قوانین و آیین‌نامه‌های متفاوتی ذکر شده‌اند. مهم‌ترین آنها عبارتند از «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها» مصوب ۱۴۰۰، «آیین‌نامه اجرایی نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی» مصوب ۱۳۸۵ و «آیین‌نامه اجرایی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی».

بازداشتگاه‌های انتظامی که در راستای اجرای وظایف ضابطین

نیروی انتظامی تشکیل شده است معمولاً در مراجع انتظامی همچون آگاهی‌ها قرار دارند. بازداشتگاه‌های امنیتی نیز که در راستای وظایف مراجع امنیتی و رسیدگی به جرایم امنیتی تشکیل شده است بر اساس آیین‌نامه اجرایی نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی در وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، اطلاعات نیروی انتظامی و سازمان‌های حفاظت و اطلاعات نیروهای مسلح مستقر هستند. بنابراین هر گونه بازداشتگاه امنیتی خارج از موارد فوق جنبه قانونی ندارد.

### ماده ۱ آیین‌نامه نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی:

بازداشتگاه امنیتی محل نگهداری متهمانی است که به لحاظ حساسیت‌های امنیتی و نظامی و با قرار کتبی مقام‌های صلاحیتدار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آن‌جا معرفی می‌شوند و تحت نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور که در این آیین‌نامه به اختصار «سازمان» نامیده می‌شود اداره خواهد شد.

تبصره- بازداشتگاه‌های امنیتی صرفاً مربوط به متهمین جرایم امنیتی بوده و واحدهای قضایی از اعزام سایر متهمین و محکومین به این بازداشتگاه‌ها خودداری خواهند نمود.

مراجع مذکور باید لیست و آدرس بازداشتگاه‌های امنیتی را به قوه قضاییه اعلام کنند. بازداشتگاه‌های اعلام‌نشده بازداشتگاه‌های غیررسمی نیستند. بعضاً مشاهده می‌شود که نیروهای امنیتی کنشگران مدنی را بعد از بازداشت به مکان‌هایی که خودشان خانه امن می‌نامند منتقل

می‌کنند. این مکان‌ها از آن‌جا که تحت عنوان بازداشتگاه تاسیس و ثبت نشده‌اند غیررسمی هستند و بنابراین انتقال و نگهداری افراد در آن‌ها غیرقانونی است.

بازداشتگاه‌های انتظامی نیز محل نگهداری موقت متهمان غیرامنیتی است. به عنوان مثال اگر فردی به جرم سرقت یا قتل یا کلاهبرداری دستگیر شود، مرجع قضایی می‌تواند متهم را برای بازجویی به بازداشتگاه‌های انتظامی ارسال کند. در مقابل اگر شخصی به اتهام جرایم سیاسی یا امنیتی دستگیر شود، مرجع قضایی می‌تواند متهم امنیتی را حسب مورد به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی جهت انجام تحقیقات ارسال کند. این بازداشتگاه‌ها صرفاً محل نگهداری متهمان امنیتی است و مرجع قضایی نمی‌تواند دیگر متهمان را به این بازداشتگاه‌ها منتقل کند.

گرچه در ایران زندان‌ها نیز استانداردهای لازم را نداشته و حقوق زندانیان چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد، اما وضعیت در بازداشتگاه‌های انتظامی یا بازداشتگاه‌های امنیتی به مراتب بدتر است. در این بازداشتگاه‌ها امکانات رفاهی لازم وجود ندارد، معمولاً امکانات بهداشتی و پزشکی نیز در این بازداشتگاه‌ها فراهم نمی‌شوند. در بسیاری از موارد متهم از دسترسی به فضای آزاد و هواخوری محروم می‌شود. علاوه بر این‌ها متهم در این بازداشتگاه‌ها از بسیاری از حقوق خود محروم می‌شود. برای مثال امکان برقراری تماس یا ملاقات با خانواده و وکیل در این بازداشتگاه‌ها میسر نیست. مسئولان این بازداشتگاه‌ها معمولاً در مورد رساندن درخواست‌های قضایی متهمان مساعدت لازم را به عمل نمی‌آورند. همچنین وکلای متهمان امنیتی به راحتی نمی‌توانند وارد این بازداشتگاه‌ها شده و با موکل خود صحبت کنند. از این‌رو احتمال ناعادلانه شدن روند بازجویی بسیار بالا می‌رود.

رفتار مسئولان این بازداشتگاه‌ها نیز نسبت به بسیاری از متهمان خارج از دایره قانون است. بسیاری از رفتارهای غیرقانونی همچون شکنجه، ضرب‌وشتم و گرفتن اعتراف اجباری در این بازداشتگاه‌ها صورت می‌پذیرد. مرگ افرادی همچون زهرا کاظمی و ستار بهشتی در این بازداشتگاه‌ها رخ داده است.

در این بازداشتگاه‌ها، متهمان معمولاً به صورت انفرادی نگاه‌داری می‌شوند. این در حالی است که این بازداشتگاه‌ها بر اساس مقررات زیر نظر سازمان زندان‌ها بوده و لازم است استانداردهای پیش‌بینی شده برای زندان‌ها و حقوق زندانیان نسبت به متهمان مستقر در بازداشتگاه‌های امنیتی یا انتظامی نیز رعایت شود.

### **ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی، نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی:**

استانداردهای نگهداری، نحوه مدیریت و ارائه خدمات در بازداشتگاه‌های مذکور، برابر آیین‌نامه اجرایی سازمان بوده و بخشنامه‌های صادره از سوی رئیس سازمان در موارد فوق برای بازداشتگاه‌های مزبور لازم‌الرعايه می‌باشد.

تبصره- مسئولان و کارکنان بازداشتگاه‌ها ملزم به رعایت حقوق شهروندی متهمان برابر قانون حفظ حقوق شهروندی و سایر ضوابط مربوط می‌باشند.

همچنین بر اساس دستورالعمل‌های فوق قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده و دادستان موظفند با سرکشی و نظارت بر این بازداشتگاه‌ها از بروز تخلفات و نقض حقوق متهمان جلوگیری کنند؛ در حالی که تا



کنون مراجع قضایی هیچ برخورد جدی‌ای با تخلفات صورت‌گرفته در این بازداشتگاه‌ها نداشته‌اند. این در حالی است که برخی از گزارش‌های مقامات قضایی در سال‌های قبل نشان از آمار بالای تخلفات در بازداشتگاه‌های امنیتی و انتظامی دارد.

## نگاهداری متهمان در سلول‌های انفرادی

مسئله نگاهداری متهمان در سلول‌های انفرادی، به خصوص در مورد متهمان امنیتی و سیاسی، همواره یک مقوله بحث‌برانگیز بوده است. بر اساس گزارش‌های متعدد ماموران امنیتی و انتظامی متهمان به جرایم امنیتی را به بهانه‌های مختلف در سلول‌های انفرادی نگاه می‌دارند. این در حالی است که نگاهداری متهمان و محکومین در سلول‌های تک نفره صرفاً به عنوان تنبیه زندانی در صورت تخلف و با حکم شورای انضباطی زندان آن هم برای مدت کوتاهی در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها پیش‌بینی شده است.

با توجه به این‌که بازداشتگاه‌های امنیتی نیز شامل مقررات آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها هستند ماموران امنیتی نمی‌توانند متهمان را در سلول‌های انفرادی نگاهداری کنند. این ماموران صرفاً در هنگام بازجویی می‌توانند از متهمان به صورت انفرادی بازجویی کنند. بعد از اتمام بازجویی حتماً متهمان باید به سلول‌های چند نفره منتقل شوند.

## ممنوع الخروجی

یکی از مشکلاتی که معمولاً فعالان مدنی و سیاسی با آن مواجه هستند ممنوع الخروجی از کشور است. در برخی موارد بدون این که شخص به طور رسمی و قانونی ممنوع الخروج شود از خروج او از کشور جلوگیری شده است یا پاسپورت او توقیف می شود. شهروندان باید توجه کنند که خروج از کشور تحت حق سفر، یکی از حقوق بنیادین انسان ها است که فقط در موارد معدودی می توان آن را محدود کرد. در ادامه نگاهی می اندازیم به موارد ممنوع الخروجی در قوانین ایران.

ممنوع الخروجی به عنوان یک قرار نظارت قضایی

بازپرس پرونده می تواند علاوه بر صدور قرار تامین کیفری، متهم را ممنوع الخروج کند. مدت این ممنوعیت شش ماه بوده و قابل تمدید است. قرار ممنوع الخروجی باید مستدل بوده و دلیل صدور آن ذکر شود.

بازپرس نمی‌تواند بدون دلیل اقدام به این کار نماید.  
(ماده ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری)

#### ممنوع‌الخروجی در صورت تعلیق تعقیب

قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نموده است که در برخی از موارد دادستان می‌تواند تعقیب متهم را موقتا متوقف کند. در این صورت دادستان می‌تواند متهم را در دوران تعلیق ممنوع‌الخروج نماید. این ممنوعیت حداکثر شش ماه بوده و قابل تمدید نیست.

(ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری)

#### ممنوع‌الخروجی به عنوان مجازات تکمیلی

بر طبق قانون مجازات اسلامی دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط قانونی به منع خروج از کشور محکوم کند. مدت این محکومیت نمی‌تواند بیش‌تر از دو سال باشد.

(ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی)

#### ممنوع‌الخروجی به سبب سوء‌شهرت در خارج از کشور

بر طبق ماده ۱۶ از قانون گذرنامه به کسانی که در خارج از ایران به سبب تکدی و یا ولگردی و یا ارتکاب سرقت و کلاهبرداری و یا به هر عنوان دیگر دارای سوء‌شهرت باشند، گذرنامه داده نخواهد شد.

### ممنوع‌الخروجی به دلیل بدهی مالیاتی

طبق ماده ۱۷ قانون گذرنامه «دولت می‌تواند از صدور گذرنامه و خروج بدهکاران قطعی مالیاتی و اجرای دادگستری و ثبت اسناد متخلفین از انجام تعهدات ارزی، طبق ضوابط و مقرراتی که در آیین‌نامه تعیین می‌شود جلوگیری نماید.»

### ممنوع‌الخروجی به دلیل تعارض با مصالح حکومت

بر طبق پیش‌بینی قانون گذرنامه اگر مسافرت افرادی به خارج از کشور به تشخیص مقامات قضایی بر خلاف مصالح نظام باشد، از صدور گذرنامه برای این اشخاص خودداری می‌شود. (بند ۳ ماده ۱۶ قانون گذرنامه)

باید گفت این مورد پیش‌بینی شده در قانون گذرنامه برخلاف اصول حقوقی است. دقت در قوانین کیفری ایران نشان می‌دهد که ممنوع‌الخروجی نوعی مجازات و یا تدبیری برای جلوگیری از ضایع شدن حقوق مالی یک شخص است. این موارد در زمانی قابل تصور است که فردی مرتکب عملی برخلاف قانون شده باشد و به دلیل این عمل خلاف قانون، یا محاکمه شده و محکوم شده باشد و یا در حال محاکمه و رسیدگی قضایی باشد. حال چگونه ممکن است شخصی که متهم یا محکوم به هیچ جرمی نشده است، از سوی قوه قضاییه مورد مجازات ممنوع‌الخروجی قرار گیرد؟ دیگر این که منظور از مصالح جمهوری اسلامی چیست؟ آیا این عبارت کلی و مبهم باعث سوءاستفاده مقامات حکومتی در تضییع حقوق شهروندان نخواهد شد؟ اگر فردی مرتکب جرمی شده باشد به این جرم باید در دادگاه صالحه رسیدگی شود. حال بدون رسیدگی قضایی، چگونه می‌توان شخصی را به بهانه خلاف مصلحت نظام از کشور ممنوع‌الخروج کرد؟! پیش‌بینی چنین امری در حقوق

ایران در تضاد آشکار با اصول حقوقی و موازین حقوق بشری است.

به هر حال در صورتی که شهروندان، خارج از موارد گفته شده ممنوع‌الخروج شوند، می‌توانند به دادستانی شهرستان اقامت خود مراجعه کرده و درخواست پیگیری و رفع ممنوع‌الخروجی و یا رفع توقیف پاسپورت کنند. بهترین روش برای اطلاع از ممنوع‌الخروج بودن، مراجعه به اداره گذرنامه است.

## حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی

قانون‌گذار برای هر شخصی که به عنوان متهم وارد یک پرونده کیفری می‌شود یک سری حقوقی پیش‌بینی کرده است. بخشی بزرگی از این پیش‌بینی‌ها برای این است که شخص متهم در یک فرایند عادلانه قرار گرفته و ابزارهایی برای دفاع از خود داشته باشد. رعایت این حقوق، به خصوص در جرایم امنیتی و سیاسی، بسیار مهم است؛ زیرا در یک طرف پرونده نیروهای امنیتی به همراه مقامات دادرسی وجود دارند که قطعاً امکانات و قدرت به مراتب بیش‌تری از یک شخص عادی دارند. اگر این حقوق به درستی رعایت نشود قطعاً طرف دیگر پرونده هرچه بخواهد می‌تواند انجام دهد. آگاهی شهروندان، به خصوص کنشگران مدنی، از این حقوق و مطالبه آن در زمانی که متهم هستند بسیار موثر است. در ادامه این حقوق را بررسی می‌کنیم و در مورد برخی از مهم‌ترین آن‌ها توضیحات مفصلی خواهیم داد.

## حق درخواست علت دستگیری

بر اساس ماده ۵۳ و ۱۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری باید علت بازداشت شخص را به او اعلام کنند.

## ممنوعیت جلب و احضار بدون دلایل کافی

برای این که بتوان کسی را احضار یا جلب کرد باید دلایل کافی علیه او وجود داشته باشد.

## ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری:

بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند.

## حق آگاهی از موضوع اتهام

در تمامی مراحل یک پرونده کیفری متهم حق دارد که از اتهام و دلایل آن و موضوع آن مطلع شود. در این راستا مقامات قضایی باید در اولین فرصت به متهم تفهیم اتهام کنند. باید توجه شود که تفهیم اتهام باید بر اساس جرایم مذکور در قانون باشد. بعضا مشاهده می شود که مقامات قضایی در قالب تفهیم اتهام از عناوینی استفاده می کنند که در قوانین وجود ندارد؛ مانند اقدام علیه امنیت. استفاده از این عبارات در قالب تفهیم اتهام ممنوع است.



## حق اطلاع به خانواده

مطابق ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری شخص بعد از تحت نظر قرارگرفتن توسط ضابطین قوه قضاییه این حق را دارد که با خانواده و نزدیکان خود تماس گرفته و آن‌ها را از بازداشت خود مطلع کند، مگر در مواردی که ضابطین تشخیص دهند که فرد بازداشت شده نباید از این حق استفاده کند که در این صورت باید موضوع را به مقامات قضایی منعکس کرده و منتظر دستور باشند. بنابراین فرد بازداشت شده حتماً بلافاصله بعد از بازداشت تقاضای تماس تلفنی بکند.

## حق اطلاع از حقوق قانونی

متهم حق دارد که از حقوق قانونی خود مطلع شود و ضابطین دادگستری و مقامات قضایی در دادسرا موظف به گوشزدکردن این حقوق به متهم هستند.

## ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری:

هر گاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

## حق معاینه شدن

بعد از این که متهم تحت نظر قرار گرفت حق دارد که درخواست کند تحت

معاینه قرار گیرد. بستگان متهم نیز حق چنین درخواستی را دارند. ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی در این مورد است. این حق از جهات مختلف اهمیت دارد. بارها مشاهده شده است که یک شخص بر اثر شکنجه در بازداشتگاه دچار آسیب جسمی و یا حتی مرگ شده است. در این مواقع ماموران مربوطه ممکن است ادعا کنند شخص مزبور دارای بیماری قبلی بوده است. معاینه پزشکی می‌تواند صحت این‌گونه ادعاها را زیر سوال برد.

### حق بهره‌مندی از خدمات وکیل

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که شخص دستگیر شده یا خانواده و اطرافیان وی می‌توانند انجام دهند انتخاب یک وکیل دادگستری مورد اعتماد است. توجه شود که مطابق تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری در جرایم امنیتی در مرحله تحقیقات مقدماتی فقط وکلای مورد تایید قوه قضاییه می‌توانند وکالت کنند. به همین دلیل فرد باید توجه کند احتمال این‌که این وکلا به شخص تحمیل شوند و دفاع موثری انجام ندهند یا برخلاف مصلحت او (موکل) حرکت کنند وجود دارد. از این رو اگر شناخت کافی از وکیل وجود نداشته باشد بهتر است از وکیل استفاده نشود.

در نهایت تاسف، بعضی از رؤسای دادگاه‌ها از جمله دادگاه‌های انقلاب با تسری این تبصره به مراحل رسیدگی در دادگاه‌ها همچنان از قبول وکلای دادگستری غیر از وکلای موضوع تبصره مذکور خودداری می‌نمایند که این عمل آن‌ها دقیقاً برخلاف نص صریح قانون است. با این وجود شخص یا اطرافیان او می‌توانند وکیل دلخواه خود را در جرایم غیرامنیتی و یا در تمامی جرایم در مرحله بعد از تحقیقات مقدماتی انتخاب کنند. توجه شود جرایم امنیتی جرایمی هستند که در مواد ۴۹۸

الی ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) آمده است. به علاوه جرم «تبانی و اجتماع» موضوع ماده ۶۱۰ این قانون و یا «محاربه» و «افساد فی الارض» هم در رویه جز جرایم امنیتی محسوب می‌شوند اما جرایمی مثل «اخلال در نظم» یا «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» جرایم امنیتی نبوده و مشمول محدودیت مذکور در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری نمی‌شوند.

به هر ترتیب اگر امکان تعیین وکیل انتخابی وجود داشت بهتر است از وکلایی که در این زمینه تخصص و تجربه دارند استفاده شود. اگر شخص یا اطرافیان او وکیلی که در این زمینه فعالیت کند را نمی‌شناسند می‌توانند به کمیسیون‌های حقوق بشر کانون‌های وکلای دادگستری مراجعه کرده و تقاضای وکیل کنند. در کانون هر استان که دفاتر آن‌ها در شهرستان مرکز استان است کمیسیونی به نام حقوق بشر وجود دارد که می‌توان از آن، برای پرونده‌های مرتبط با نقض حقوق بشر وکیل درخواست کرد.

اگر شخص توانایی مالی برای پرداخت حق الوکاله را ندارد می‌تواند از وکیل معاضدتی استفاده کند. برای استفاده از خدمات وکیل معاضدتی شخص باید به اداره معاضدت قضایی کانون وکلای مراجعه نماید.

## حق سکوت

شخص بازداشت‌شده در تمامی مراحل حق سکوت دارد و هیچ کس نمی‌تواند او را مجبور به پاسخ‌دادن بکند بنابراین اگر شخص تشخیص داد که صلاح نیست اظهاراتی را بیان کند این حق را خواهد داشت که سکوت کند. ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری در این مورد است.

## ممنوعیت سوالات تلقینی و اکراه فریب متهم

در ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده است که سوالات ارائه شده به متهم باید مفید و روشن باشد و سوالات تلقینی یا اغفال و اکراه و اجبار متهم ممنوع است. به عنوان مثال به کاربردن این عبارات توسط ضابطین و یا مقامات قضایی در بازجویی‌ها ممنوع است: «اعتراف کن و خودت را نجات بده»، «اگر اعتراف کنی قول می‌دهم که حکم برائت را صادر کنم»، «اگر همکاری نکنی مجازاتت چندین برابر خواهد شد»، «همه دوستانت اعتراف کرده‌اند و ما همه چیز را می‌دانیم»، «هر کاری را که انجام دادی را ما می‌دانیم پس به نفعت است که همه چیز را بگویی»، «اسناد بسیاری به دست آورده‌ایم که نشان می‌دهد تو مرتکب جرم شده‌ای»، «می‌دانی مجازات کاری که کرده‌ای چنان سنگین است که ممکن است همه عمر خود را در زندان بگذرانی»، «یکی از اعضای خانواده و یا یکی از دوستانت درباره زندگی تو همه چیز را به ما گفته است»، «بر اساس اعترافات که داشته‌ای مجرم هستی» یا «اگر اعتراف کرده و همکاری کنی با قاضی صحبت می‌کنم که مجازاتت را تخفیف دهد». اغفال متهم در بازجویی‌ها به هر بهانه و هدفی که انجام گیرد ممنوع و غیرقانونی است.

مورد مهم دیگری که مواد فوق به آن اشاره کرده‌اند، ممنوعیت سوالات تلقینی است. سوالات تلقینی سوالاتی است که متهم را به سمت ارائه پاسخی تعیین شده و مورد نظر سوال کننده هدایت می‌کند. در واقع این سوالات متهم را به نوعی وادار می‌کند که پاسخ مشخصی را ارائه دهد. این گونه سوالات نیز توسط مقامات قضایی از متهمان سیاسی پرسیده می‌شوند. به عنوان مثال ممکن است بازپرس پرونده از متهم سوال کند که «بر اساس اعترافات خودتان در اداره اطلاعات و اسناد یقین آور موجود در پرونده، شما در نوشته‌هایتان نظام اسلامی را سیاه‌نمایی کرده و علیه آن تبلیغ نموده‌اید»، این در حالی است که ممکن است

متهم اقرار نکرده باشد و سند یقین‌آوری در پرونده موجود نباشد.

## حق انکار اقرار

ممکن است شخص بنا به دلایلی در بازجویی یا بازپرسی اعتراف کرده باشد. معمولاً اقرار شخص علیه خود در پرونده‌های سیاسی به دلیل فشار صورت می‌گیرد. فارغ از این‌که این اعتراف صحیح باشد یا نادرست، فرد این حق را خواهد داشت که در مراحل بعدی اقرار خود را پس گرفته و انکار کند. به طور کلی اقرار وقتی معتبر است که نزد قاضی صادرکننده رای انجام شده باشد. اقرارهایی که در مراجع دیگر صورت گرفته نمی‌تواند دلیل محسوب شود. به همین دلیل اگر به هر علتی شخص بازداشت شده در نزد مراجع انتظامی یا امنیتی اقراری علیه خود داشته باشد حتماً در بازپرسی و دادگاه بگوید اقرارش در اثر فشار بوده است.

## ممنوعیت شکنجه و آزار و اذیت متهم

طبق اصل ۳۸ قانون اساسی و ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی شکنجه و آزار و اذیت متهمان ممنوع است و اعتراف ناشی از آن هم فاقد اعتبار حقوقی است. اگر شخص تحت شکنجه یا هر گونه آزار و اذیتی بوده است بهتر است در اولین فرصت مسئله را به صورت کتبی به مقام قضایی مربوطه منعکس کند و بهتر است خواستار معاینه توسط پزشکی قانونی شود.

## ممنوعیت بی‌احترامی به متهم

مطابق بندهای ۴ و ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و

حفظ حقوق شهروندی متهم حق دارد توقع داشته باشد مراجع قضایی با احترام با او رفتار کنند. در این راستا ضابطان دادگستری یا مقامات قضایی حق توهین به متهم و یا تحقیر او را ندارند.

### حق حضور در نزد مقام قضایی

اگر یک شهروند به هر علت دستگیر شد باید ظرف ۲۴ ساعت نزد مقام قضایی برده شده و تعیین تکلیف شود. به عبارتی ضابطین دادگستری نمی‌توانند متهم را بیش از ۲۴ ساعت بدون معرفی به دستگاه قضایی تحت بازداشت نگاه دارند.

### حق محاکمه در دادگاه

هر متهمی این حق را دارد که در یک محاکمه حضور پیدا کند. بر اساس این حق مقامات قضایی نمی‌توانند بدون حضور متهم محاکمه را انجام دهند مگر در مواردی که محاکمه غیابی امکان‌پذیر است. همچنین بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های تجدیدنظر نیز باید اقدام به برگزاری جلسه با حضور متهم کنند اما متأسفانه بر اساس یک دستور رئیس پیشین قوه قضاییه، که گفته شد با اخذ حکم حکومتی از رهبر جمهوری اسلامی صادر شده است، دادگاه‌های تجدیدنظر از برگزاری جلسه معاف شده‌اند. این امر غیرقانونی است.

### علنی بودن دادگاه

متهم این حق را دارد که در یک دادگاه علنی محاکمه شود؛ زیرا علنی

برگزارشدن دادگاه، به خصوص در جرایم امنیتی، نوعی تضمین برای رعایت دادرسی منصفانه است. با این وجود استثنائاتی برای علنی بودن دادگاه در قوانین ذکر شده است. در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری گفته شده است که اگر علنی بودن دادگاه محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی و قومی باشد قاضی می‌تواند دادگاه را غیرعلنی برگزار کند. در این صورت قاضی موظف است با ذکر دلیل قرار غیرعلنی برگزارشدن دادگاه را صادر کند.

### حق دسترسی به پرونده

متهم یا وکیل او در هر مرحله حق دارند که پرونده خود را مطالعه کنند. با این وجود مطابق ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.»

باید توجه شود این محدودیت مربوط به مرحله دادرسی است. بنابراین پس از صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه به هیچ وجه نمی‌توان مانع مطالعه پرونده شد. مطالعه پرونده امری ضروری است. باید دقت شود به هنگام مطالعه پرونده در صورتی که اجازه فتوکپی داده نشود حتماً از اوراق پرونده رونوشت گرفته شود. در پرونده‌های امنیتی و سیاسی معمولاً اجازه مطالعه به متهم پرونده داده نمی‌شود. در این مواقع بهتر است لایحه درخواست مطالعه پرونده نوشته شده و از طریق دفاتر خدمات قضایی الکترونیکی فرستاده شود. اگر دوباره قاضی اجازه

مطالعه پرونده را ندهد اولاً بهتر است موضوع کتبا به رئیس دادگستری و سپس به دادسرای انتظامی قضات منعکس شود. در جلسه دادگاه نیز حتماً در صورت مجلس قید شود که علی‌رغم درخواست مطالعه پرونده این امکان از طرف قاضی فراهم نشده است. در صورت محکومیت هم حتماً در لایحه تجدیدنظرخواهی مسئله عدم مطالعه پرونده ذکر شود.

### حق ارائه دلیل و دفاعیات

شخص دستگیرشده به واسطه وکیل خود یا نزدیکانش می‌تواند هر دلیلی را که فکر می‌کند به نفعش است به دادسرا یا دادگاه ارائه دهد. مثلاً ممکن است ادعا شود فرد بازداشت‌شده در یک مکانی به همراه چند نفر اقدامی انجام داده است، حال آن‌که آن شخص در آن زمان در مکان دیگری بوده است. در این مواقع می‌توان هر سند و مدرکی مانند شاهد ارائه کرد. معرفی شاهد به دادسرا و دادگاه یکی از حقوق متهم است و اگر بازپرس از قبول و استماع شاهد خودداری کرد می‌توان شخص شاهد را به دفترخانه اسناد رسمی برد و در قالب یک اقرارنامه اظهارات او را ثبت کرده و کتبا به مقام قضایی داد. در این صورت مقام قضایی نمی‌تواند آن را ثبت نکند و نادیده بگیرد. طبق ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه باید دفاعیات متهم را استماع کرده و به او فرصت دفاع موثر را بدهد.

### حق درخواست مترجم

اگر متهم قادر به تکلم به زبان فارسی نیست و یا ناشنوا بوده یا قدرت تکلم ندارد، دادگاه موظف است برای او مترجم تعیین کند. با توجه به این‌که تعداد زیادی از شهروندان کشور با زبان غیرفارسی صحبت می‌کنند



برای درک بهتر متهم لازم است یا قضات با زبان متهم آشنا باشند و یا از مترجم استفاده شود.

### حق درخواست کارشناس

هر متهمی می‌تواند در امورات فنی که دانش قاضی در مورد آن محدود است تقاضای کارشناس کند. به عنوان مثال اگر شخصی به دلیل فعالیت در فضای مجازی دستگیر شده باشد اما فرد دیگری با نام او فعالیت داشته باشد یا این‌که هک شده باشد می‌تواند از دادگاه بخواهد برای تشخیص موضوع کارشناس تعیین شود. در این نوع پرونده‌ها معمولاً به دلیل عدم اشراف مقامات رسیدگی‌کننده به پرونده تمامی مطالبی که در صفحه اجتماعی شخص دیده می‌شود به او نسبت داده می‌شود حال آن‌که ممکن است این مطلب از سوی شخص دیگری نوشته شده و متهم اصطلاحاً تگ شده باشد و هیچ ارتباطی با آن مطلب نداشته باشد. از طرف دیگر نظر کارشناس رسمی دادگستری می‌تواند جلوی پرونده‌سازی نهادهای امنیتی و انتساب اتهامات دروغ به او را بگیرد.

### حق اعتراض به تصمیمات قضایی

متهم این حق را دارد که به تصمیمات مقامات قضایی از جمله صدور قرارهای مختلف و یا رای بدوی در مراجع ذی صلاح اعتراض کند. این اعتراض ممکن است در قالب واخواهی به آرای غیابی یا تجدیدنظرخواهی نسبت به آرای دادگاه بدوی یا اعاده دادرسی نسبت به آرای قطعی و یا اعتراض به قرارهای صادره از دادسرا باشد.

## حق رسانه‌ای کردن پرونده

هر متهمی یا اطرافیان او می‌توانند موضوع بازداشت را رسانه‌ای کنند. در ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند.» اما این محدودیت مذکور، یک: در مورد افرادی است که در جریان تحقیقات مقدماتی دخیل هستند، نه مثلا خانواده و اطرافیان، و دو: منظور از این ماده انتشار جریان تحقیقات است، نه اطلاعاتی مانند دستگیری شخص، اتهام و محل بازداشت او.

## حق مطالبه خسارت ناشی از بازداشت

اگر شخصی به هر علتی بازداشت شود اما بعد مشخص شود که بی‌گناه بوده و در موردش قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر شود می‌تواند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کند. ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری در این مورد است. این مورد در مبحث قبلی توضیح داده شده است.



## حق بهره‌مندی از خدمات وکیل

حق داشتن وکیل و یا حق بهره‌مندی از خدمات وکیل یکی از اساسی‌ترین حقوق متهم است. حقوق ایران هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی بر حق داشتن وکیل و حق مداخله وی در دادرسی‌ها تاکید کرده است. از جمله:

### اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مواد ۵، ۴۸، ۸۶، ۱۹۰، ۳۴۶، ۳۴۷، ۴۱۵، قانون آیین دادرسی  
کیفری

بند سوم قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق  
شهروندی

قسمت‌هایی از قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی

بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که ایران آن را پذیرفته است

ماده ۳۸ و ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک که ایران آن را پذیرفته است

مداخله وکیل در دادرسی‌ها، به‌ویژه دادرسی‌های کیفری، قاعده تساوی سلاح و برابری ابزارهای دفاع را تامین خواهد کرد؛ چراکه در یک فرایند کیفری متهم در برابر دادرسی قرار می‌گیرد که قدرت و امکانات دفاعی به مراتب بیش‌تری را دارا است. اگر سیستم حقوقی و یا رویه قضایی، متهم را از داشتن وکیل منع کند و یا حضور وکیل در دادرسی‌ها را محدود کند، به احتمال بسیار دادرسی ناعادلانه خواهد شد و چه بسا متهم از حقوق خود محروم شده و به ناحق محکوم شود. در کشورهایی که سیستم قضایی آن‌ها استقلال کافی ندارد این احتمال بسیار است.

این حق در کشور ایران با چالش‌های جدی مواجه شده است؛ به طوری که در پرونده‌های سیاسی و امنیتی شاهد هستیم به طرق مختلف این حق متهم محدود یا سلب می‌شود. به عنوان مثال وکالت وکلای این‌گونه متهمان از طرف برخی از شعبات دادگاه پذیرفته نمی‌شود و یا قضات برخی از شعبات به متهمان فرصت انتخاب وکیل دلخواه خود را نمی‌دهند. بر اساس برخی گزارشات برخی از متهمان مجبور به استفاده از وکیل تسخیری شده‌اند. این موارد همگی اعمال محدودیت در حق بهره‌مندی از خدمات وکیل است.

اساساً حق بهره‌مندی از وکیل یا به عبارت دیگر جلوگیری از اعمال محدودیت و یا سلب حق بهره‌مندی از وکیل، دارای ضمانت اجرایی است. این ضمانت اجراها بدین شرح هستند:

## ۱- نقض حکم

اگر دادسرا از حضور وکیل در پرونده جلوگیری کرده و کیفرخواست صادر و پرونده به دادگاه ارجاع داده شود، دادگاه بدوی موظف است که به ادعای متهم مبنی بر سلب حق داشتن وکیل توسط دادسرا رسیدگی کند. اگر ادعای متهم اثبات شود، دادگاه بدوی لازم است اقدامات دادسرا در تحقیقات مقدماتی را فاقد اعتبار دانسته و از دادسرا بخواهد که تحقیقات را دوباره و با در نظر گرفتن حق متهم بر داشتن وکیل انجام دهد. گرچه در قوانین ایران صراحتاً بدین امر اشاره نشده است، اما زمانی که سلب حق داشتن وکیل، به موجب ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی، باعث بی اعتباری حکم صادره می شود، به طریق اولی می توان گفت اقدامات دادسرا از جمله بازجویی ها و قرار مجرمیت و کیفرخواست نیز در صورت سلب حق داشتن وکیل، اعتبار حقوقی نخواهند داشت.

در تبصره ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری نیز این امر ذکر شده و به تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان رسیده بود، اما با آخرین اصلاحات چنین تدبیری از قانون حذف شد. لکن با این وجود می توان معتقد بود که چون حق داشتن وکیل از مهم ترین حقوق دفاعی متهم است و سلب آن در تمامی اقدامات مرحله تحقیقات مقدماتی تاثیر داشته است، دادگاه بدوی نمی تواند بدون توجه به این امر حکم صادر کند. از طرف دیگر اگر سلب حق داشتن وکیل با دیگر تخلفاتی که موجب بی اعتباری تحقیقات می شود، مقایسه شود به این نتیجه خواهیم رسید که سلب حق داشتن وکیل نیز می تواند تحقیقات مقدماتی را بی اعتبار کند. به عنوان مثال دلایل به دست آمده از طریق اعتراف اجباری، فاقد اعتبار است. حال سلب حق داشتن وکیل، که در کلیه اقدامات قضایی که در مرحله مقدماتی به عمل می آید تاثیرگذار است، نیز به لحاظ نقض قوانین و محروم کردن متهم از حق خود، به طریق اولی از موجبات

بی‌اعتباری تحقیقات معمول است. چراکه نتیجه حاصل از تحقیقات انجام‌شده در شرایطی که وکیل متهم حضور نداشته می‌تواند دارای درجه‌ای از اهمیت باشد که تحقیقات مقدماتی را بلااثر کند.

اگر حق داشتن وکیل در دادگاه بدوی از متهمی سلب شود و حکم نیز صادر شود، مرجع تجدیدنظر موظف است مسئله را برای اظهار نظر به دیوان عالی کشور ارسال کند. چنانچه دیوان عالی تایید کند که متهم از داشتن وکیل منع شده است، مرجع تجدیدنظر پس از کسب نظر از دیوان عالی حکم صادره را نقض و آن را فاقد اعتبار خواهد دانست.

لازم به ذکر است در مواردی که حضور وکیل برای دادرسی الزامی است، بدون شک دادسرا و دادگاه نمی‌تواند بدون حضور وکیل اقدام به دادرسی کند و چنانچه در این موارد این حق از متهم سلب شود، قطعاً تمامی اقدامات قضایی فاقد اعتبار خواهند بود. همچون جرایم دارای مجازات‌های سلب حیات، حبس ابد، جرایم موجب مجازات قطع عضو، جرایم دارای مجازات تعزیری درجه ۳ و بالاتر بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی و ماده ۳۴۸ آن قانون و در بسیاری از جرایم اطفال و نوجوانان بر اساس ماده ۴۱۵ همان قانون.

## ۲- مسئولیت کیفری

چنانچه مقام قضایی یا دیگر مقامات حکومتی متهم را از داشتن وکیل منع کرده و حق وی در این مورد را سلب کند، بدون شک رفتاری برخلاف قوانین انجام داده است.

### ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات):

هر یک از مقامات و ماموران دولتی که برخلاف قانون،

آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

با توجه به این که اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ذیل فصل حقوق ملت، یکی از حقوق شهروندان را داشتن وکیل در دادرسی‌ها اعلام کرده است بنابراین سلب این حق، سلب حقوق مقرر در قانون اساسی خواهد بود که در شمول رفتار مجرمانه ماده ۵۷۰ قانون مجازات قلمداد شده است. با این وجود طبق مقررات این ماده از قانون مجازات اسلامی هر یک از قضات و دیگر مقاماتی که حق داشتن وکیل را از متهم سلب کنند مجرم بوده و به مجازات حبس شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

### ۳- مسئولیت انتظامی

همان طور که گفته شد، حق داشتن وکیل یکی از حقوق اولیه اصحاب دعوی است. در همین راستا در قانون جدید آیین دادرسی علاوه بر این که این حق در مواد مختلفی به رسمیت شناخته شده است، لزوم تفهیم حق داشتن وکیل به متهم نیز مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. قانون جدید آیین دادرسی کیفری برای تضمین این مهم، مقرر کرده است که چنانچه حق داشتن وکیل از متهم سلب شود یا این حق به وی تفهیم نشود، مقام قضایی متخلف بوده و عمل وی مجازات انتظامی در پی خواهد داشت. بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون فوق «سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به



متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است.» در این ماده قبل از اصلاحاتی که بعداً به عمل آمد، پیش‌بینی شده بود که سلب حق داشتن وکیل و یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات خواهد شد، لکن با وجود تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان اصلاح شده و به وضعیت کنونی تغییر یافت. هرچند که به نظر می‌رسد علی‌رغم تغییر تبصره ماده ۱۹۰ و حذف بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی در صورت سلب یا عدم تفهیم حق داشتن وکیل، همچنان تحقیقات مقدماتی در صورت منع متهم از داشتن وکیل بی‌اعتبار باشد.

#### ۴- مسئولیت مدنی

چنانچه متهمی از داشتن وکیل منع شود و بر اثر سلب حق داشتن وکیل خسارتی متحمل شود، می‌تواند جبران این خسارت را از سلب‌کننده مطالبه نماید. قانون آیین دادرسی کیفری در این مورد مقررات صریحی را پیش‌بینی نموده است.

#### ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری:

در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵/۲/۱۳۸۳ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب

۴/۴/۱۳۷۵ محکوم می‌شوند، مگر آن‌که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

علی‌رغم وجود این ماده با توجه به این‌که مطالبه خسارت معنوی در حقوق ایران بسیار محدود است و راه جبران مادی خسارات معنوی وجود ندارد در عمل اگر شخصی از دسترسی به وکیل منع یا محدود شود و در نتیجه این امر خسارت مادی به او وارد نشود عملاً نمی‌تواند مطالبه خسارت کند. این در حالی است که در بسیاری از کشورها وقتی به شخصی آسیب معنوی وارد می‌شود شخص می‌تواند در قبال این آسیب معنوی خسارت مادی مطالبه نماید.

### توصیه‌هایی در مورد نحوه تعامل با وکیل

مطمئن شوید شخص مورد نظر وکیل است. از طریق سایت کانون وکلا یا مرکز مشاوران می‌توانید این اطمینان را حاصل کنید.

حتماً با وکیلی که انتخاب می‌کنید قرارداد ببندید و یک نسخه از آن را بگیرید.

در جرایم علیه امنیت در مرحله دادسرا فقط وکلای مورد تایید قوه قضاییه می‌توانند وکالت کنند که استفاده از این وکلا توصیه نمی‌شود.

سعی کنید از وکلایی استفاده کنید که تجربه و دانش کافی در وکالت پرونده‌های امنیتی داشته باشند.

به وعده‌های برخی از دلالان یا کارچاق‌کن‌ها یا برخی از وکلا مبنی بر

این‌که با دادن رشوه می‌توانند موضوع را حل کنند، اعتماد نکنید. توصیه به رسانه‌ای نکردن و یا طلب بخشش یا اقرار به اتهام از جانب وکیل را نپذیرید. این امر به نفع متهم نیست.

## اعترافات اجباری

از مسائل دیگری که بسیاری از متهمان به جرایم سیاسی و امنیتی در ایران با آن روبرو می‌شوند، تحت فشار قرارگرفتن از سوی ماموران امنیتی و بعضاً مقامات قضایی برای اعتراف و اقرار علیه خود است. معمولاً متهمان جرایم امنیتی و سیاسی به نحوی از انحا تحت فشار قرار می‌گیرند تا علیه خود اقرار کرده و به جرم‌های ن‌ا کرده اعتراف کنند. این پدیده که به «اعتراف اجباری» مشهور است گاهی اوقات تحت شکنجه، گاهی با تهدید خانواده متهم و گاهی با اغفال و فریب و مواردی از این قبیل انجام می‌گیرد.

پس از این‌که متهم به ناچار تن به این اعتراف اجباری می‌دهد، معمولاً مقامات قضایی بدان استناد کرده و متهم را به مجازات محکوم می‌کنند. تاکنون موارد بسیاری از اعتراف اجباری در ایران گزارش شده و در برخی موارد این اعترافات از تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی ایران نیز پخش شده است. با نظر به این‌که اقرار در حقوق ایران محکم‌ترین

دلیل اثبات‌کننده جرم است، نیروهای امنیتی علاقه شدیدی به آن داشته و مقامات قضایی نیز از آن استقبال می‌کنند. اما با توجه به این‌که هر گونه شکنجه و اعمال فشار به متهم و یا اغفال و فریب وی ممنوع و بعضاً جرم‌انگاری شده است، بر اساس قوانین ایران اقرار و اعتراف ناشی از شکنجه و اعمال فشار به متهم فاقد ارزش قانونی است. از جمله:

### اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

### بند ۹ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳:

هر گونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

### ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲:

اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید.

بنا بر همین مواد فوق دادگاه‌ها نمی‌توانند به اقراری که از روش‌های غیرقانونی گرفته شده است اعتبار داده و با استناد بدان حکم صادر کنند. در این حکم فرقی میان اعتراف دروغین و یا اقرار صحیح وجود ندارد. یعنی چنانچه اعترافات به دست آمده از طریق شکنجه حقیقت داشته باشند نیز دادگاه نمی‌تواند بدان‌ها استناد کند.

دیگر این‌که اقرار و اعتراف، به‌ویژه در جرایم حدی، زمانی معتبر و دارای ارزش قانونی است که نزد قاضی صادرکننده حکم صورت گیرد. این مسئله بر اساس مقررات موجود در حقوق ایران از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری است. مواردی همچون:

### **تبصره دوم ماده ۱۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری:**

در مواردی که اقرار متهم و یا شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت شاهد، مستند رای دادگاه باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده رای الزامی است.

### **تبصره ۲ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی:**

اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد.

در واقع گرچه اقرار در نزد غیر قاضی نوعی اماره محسوب می‌شود اما اگر این اقرار و اعتراف مستند حکم قاضی قرار گیرد ضرورت دارد قاضی

صادرکننده حکم، خود آن اقرار را استماع کرده باشد. بنابراین حتی اقراری که در نزد بازپرس یا ضابطین دادگستری از روش‌های قانونی و بدون اعمال هیچ‌گونه فشاری بر متهم به دست آمده باشد، نمی‌تواند مستند حکم قاضی قرار گیرد.

اقرار در جرایم حدی نیز دارای ویژگی‌هایی است. این‌طور که طبق فقه شرعی و نیز ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی چنانچه فردی به جرمی حدی که مجازات آن مرگ است اقرار کرده و سپس از اقرار خود به هر علتی بازگردد مجازات مرگ ساقط خواهد شد. بنابراین در جرم محاربه و افساد فی الارض - که بعضا مقامات قضایی فعالان سیاسی را بدان محکوم می‌کنند - انکار بعد از اقرار، مجازات را ساقط کرده و قاضی نمی‌تواند به استناد اقرار انکارشده حکم محکومیت صادر کند. همچنین در جرایم حدی مانند محاربه، اگر متهم عنوان کند که اقرار او بر اثر تهدید یا شکنجه و اجبار گرفته شده است، این ادعا بدون نیاز به ارائه بینه و دلیل پذیرفته شده و اقرار از اعتبار ساقط می‌شود.

### ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی:

در جرایم موجب حد، هر گاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود.

## استراق سمع و هک شهروندان

بر اساس برخی از گزارش‌های موثق ماموران امنیتی یا پلیس فتا بدون این‌که اجازه‌ای از مقام قضایی داشته باشند تلفن افراد را شنود کرده و یا حساب‌های شهروندان در فضای مجازی را هک می‌کنند. آن‌ها از این طریق مدارکی علیه شهروندان مورد نظر جمع‌آوری کرده و به عنوان دلیل ارتکاب جرم به کار می‌برند. سوالی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا استراق سمع و کنترل مکالمات یا مراسلات شهروندان جایز است؟ اگر جایز است تحت چه شرایطی باید انجام شود؟ پرسش اساسی دیگر این است که آیا مدارک به دست آمده از طریق کنترل مخابراتی شهروندان اعتبار حقوقی دارد یا خیر؟

مسئله اول این است که کنترل خودسرانه تلفن یا ارتباطات اینترنتی افراد مطلقاً ممنوع است. در واقع هیچ مرجعی نمی‌تواند خودسرانه و بدون اخذ مجوز از مراجع قضایی، مکالمات و ارتباطات شهروندان را شنود کند. در قوانین ایران اصل بر این است که هر گونه استراق سمع



ممنوع بوده و فقط در موارد استثنائی مصرح در قوانین و مقررات با اجازه مقام قضایی و به شکل محدود این امر امکان پذیر است.

### اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی:

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

### ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری:

کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تایید رئیس قوه قضاییه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.

تبصره ۱- شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود.

تبصره ۲- کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه نخستین که رای زیر نظر آن اجرا می‌شود

یا قاضی اجرای احکام ممنوع است.

### ماده ۶۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری:

کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به کنترل ارتباطات مخابراتی مقرر در آیین دادرسی کیفری است.

### ماده ۲ قانون جرایم رایانه‌ای:

هر کس به طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

بنابراین همان‌طور که در قوانین فوق دیدیم نیروهای امنیتی نمی‌توانند به صورت خودسرانه و با تشخیص خود ارتباطات تلفنی و اینترنتی شهروندان را کنترل کنند. در صورت وقوع این امر شخص متخلف مجرم شناخته می‌شود و بر طبق ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲ قانون جرایم رایانه‌ای به حبس یا جزای نقدی محکوم خواهد شد. به عبارتی استراق سمع غیرقانونی از شهروندان جرم بوده و مستوجب مجازات است.

مسئله دیگر این است که چنانچه ماموران امنیتی از شهروندی به صورت غیرقانونی استراق سمع نموده و از این طریق مدارک و اسنادی علیه وی به دست آورند آیا این مدارک اعتبار حقوقی برای حکم به محکومیت آن شهروند خواهد داشت؟ به طور کلی اصل بر این است که دلایل باید از روش‌های قانونی جمع‌آوری شوند. بنابراین در صورتی که اطلاعات به دست آمده صحت نداشته باشند، چه به صورت قانونی و چه به صورت غیرقانونی به دست آمده باشند، فاقد ارزش حقوقی بوده و نمی‌توان بدان‌ها استناد کرد. همچنین در صورتی که اطلاعات حاصل شده واقعیت داشته باشند نیز نمی‌توان بدان‌ها استناد کرد. در مورد اعتبار قانونی دلایل به دست آمده از طریق استراق سمع غیرقانونی، مستندا به ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان گفت اطلاعات و دلایل حاصل شده از این روش‌ها ارزش قانونی نداشته و نمی‌توان آن‌ها را علیه متهم به کار برد.

## رسانه‌ای کردن پرونده

یکی از موارد بسیار مهم در پرونده‌های امنیتی رسانه‌ای شدن پرونده است. همان‌طور که در مباحث قبلی گفته شد رسانه‌ای کردن یک پرونده کیفی در قالب حق آزادی بیان و حق دسترسی آزاد به اطلاعات یکی از حقوق متهم، خانواده او و تمامی شهروندان است. با این وجود مقامات امنیتی و قضایی همواره متهم و اطرافیان او را از رسانه‌ای کردن پرونده می‌ترسانند. به این نحو که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم القا می‌کنند که در صورت رسانه‌ای شدن پرونده برخورد سخت‌تری با متهم صورت می‌گیرد. حتی بعضی وکلای متهمان نیز موکل خود یا اطرافیان او را از رسانه‌ای کردن پرونده منع می‌کنند. به هر حال به نظر می‌رسد رسانه‌ای نکردن پرونده نادرست بوده و به صورت کلی، به جز در موارد استثنائی، به ضرر متهم است. به خصوص وقتی که متهم در بازداشت است.

رسانه‌ای کردن باعث می‌شود تا مقامات قضایی و امنیتی با احتیاط بیش‌تری نسبت به متهم رفتار کنند، مافوق این مقامات نیز از موضوع پرونده مطلع شده و امکان این‌که نظارت از طرف آن‌ها به پرونده صورت گیرد وجود دارد.

رسانه‌ای کردن نوعی مستندسازی نقض حقوق بشر است و این امر خود مبارزه مدنی محسوب می‌شود. در صورت رسانه‌ای شدن پرونده، نهادهای بین‌المللی از موضوع مطلع می‌شوند و حکومت همیشه خود را تحت نظارت این نهادها حس می‌کند. اگر شخص متهم بخواهد بعدها در خارج از کشور پناهنده شود نیز رسانه‌ای شدن پرونده او مدرکی در تایید دلیل پناهندگی او خواهد بود.

## نکات ضروری برای خانواده‌های بازداشتی‌ها

### ۱- نحوه پیگیری وضعیت فرد بازداشت شده توسط خانواده

در برخی موارد مشاهده می‌شود که شخصی توسط ماموران امنیتی دستگیر می‌شود اما تا مدت‌ها مشخص نمی‌شود که در کجا به سر می‌برد. اولین اقدامی که خانواده یا اطرافیان این شخص می‌توانند انجام دهند مراجعه به دادسرای محلی است که شخص در آن دستگیر شده است. به هر حال علیه هر فردی که دستگیر می‌شود به احتمال بسیار پرونده قضایی باز می‌شود. به همین دلیل مرجع قضایی مهم‌ترین مرجعی است که می‌تواند به اطرافیان بازداشت شده اطلاعات بدهد. اگر از مراجع قضایی به هیچ وجه نتیجه‌ای حاصل نشد باید به ستاد خبری وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و سپس به اداره آگاهی مراجعه کرد. اگر باز به هر نحوی این مراجع اعلام کردند که شخص مورد ادعا از طرف آنان دستگیر نشده است باید موضوع را در قالب آدم‌ربایی به دادسرا اعلام کرد.

## ۲- نحوه دسترسی به وکیل و خدمات مشاوره حقوقی

اولا خانواده‌های افراد بازداشتی یا تحت نظر مانعی برای مراجعه به وکلای دادگستری ندارند و می‌توانند با مراجعه به هر یک از وکلای مدنظر خویش مشاوره بگیرند. شخص تحت نظر و بازداشتی نیز می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی و مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی، بهره‌مندی از خدمات وکیل را تقاضا کند. متهم در صورتی که تمکن مالی جهت تعیین وکیل نداشته باشد، می‌تواند از طریق واحد معاضدت قضایی مستقر در دادگستری‌ها یا با مراجعه به واحد معاضدت قضایی در کانون‌های وکلای دادگستری تقاضای تعیین وکیل معاضدتی بکند. همچنین در مرحله رسیدگی در دادگاه‌های کیفری می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین کند. دادگاه می‌تواند در صورت احراز عدم تمکن مالی متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی برای متهم وکیل تعیین کند.

در کلیه مراحل، وکیل یا وکلای متهم حتی در حالت تحت نظر یا بازداشت حق ملاقات با موکل خویش را دارند. معمولا وکلا با مراجعه به نزد دادیار ناظر زندان و بعضا با مراجعه مستقیم به بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها و اخذ مجوز ملاقات با موکل بازداشتی یا تحت نظر و زندانی - به شرط آن‌که ممنوع‌الملاقات نباشد - ملاقات می‌کنند. هیچ کس حق ندارد مانع ملاقات وکیل با موکل خویش شود، مگر این‌که متهم بازداشتی یا تحت نظر بنا به دستور قضایی صادره از مرجع ذی صلاح قضایی ممنوع‌الملاقات باشد.

## ۳- نحوه شکایت خانواده اشخاص یا متهمانی که بر اثر تیراندازی یا

## شکجه در بازداشتگاه‌ها و در حالت تحت نظر کشته می‌شوند

هر یک از وراث اشخاصی که بر اثر تیراندازی ماموران یا بر اثر شکجه در بازداشتگاه‌ها یا در حالت تحت نظر یا بر اثر سهل‌انگاری و عدم رعایت نظامات و وظایف قانونی ماموران یا مقامات قضایی، کشته می‌شوند یا فوت می‌کنند، می‌توانند در همان حوزه قضایی به دادسرای محل مراجعه کنند یا از طریق مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی شخصا یا توسط وکیل، با تقدیم شکایت به دادستان بر علیه ماموران انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی و غیره شکایت کنند. همچنین اگر آن‌ها قادر به شناسایی شخص ضارب یا ماموران متخلف و مجرم نیستند می‌توانند ضمن شکایت، شناسایی آن‌ها و تعقیب‌شان را از دادستان تقاضا کنند. بنابراین عدم شناسایی متهم توسط ذی‌نفع مانع طرح شکایت نخواهد بود؛ این وظیفه دادسرا است که شخص ضارب را پیدا کند.

اگر مقامات قضایی نیز در خصوص قتل یا فوت متهم تقصیری داشته باشند می‌توان با مراجعه به دادسرای انتظامی قضات مستقر در تهران، علیه مقام قضایی مورد نظر شکایت کرد. ضمناً می‌توان شکوائیه تنظیمی را به همراه فتوکپی مستندات از طریق پست به دادستان انتظامی قضات ارسال و تقاضای رسیدگی کرد. البته در شکوائیه تقدیمی علیه مقامات قضایی، باید تشریفات مقرر در قانون نظارت بر رفتار قضات و آیین‌نامه اجرایی آن رعایت شود؛ زیرا در صورت عدم رعایت این موارد در تنظیم شکوائیه، هیچ ترتیب اثری در دادسرای انتظامی قضات به شکوائیه داده نمی‌شود و پرونده شکایت بایگانی می‌شود. به همین دلیل بهتر است در تنظیم این شکوائیه‌ها با یک نفر از وکلای دادگستری مشاوره شود و حداقل شکوائیه توسط ایشان تنظیم شود.

در صورت شکایت علیه ماموران و ضابطین قضایی و مسئولین بازداشتگاه‌ها، اگر دادستان رسیدگی به موضوع شکایت را در صلاحیت



دادسرای عمومی بداند به آن رسیدگی می‌کند، در غیر این صورت با صدور قرار عدم صلاحیت، آن را به دادسرای نظامی ذی صلاح ارسال خواهد کرد. امکان دارد رسیدگی به بعضی از اتهامات در صلاحیت دادسراهای عمومی و انقلاب و رسیدگی به بعضی از آن‌ها در صلاحیت دادگاه‌های نظامی باشد که در این صورت نیز دادستان محل یا دیگر مقامات قضایی رسیدگی‌کننده باید نسبت به اتهامات خارج از صلاحیت خویش قرار عدم صلاحیت به شایستگی و صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های نظامی صادر کنند. البته اولیای دم شخص مقتول می‌توانند در خصوص ماموران، مستقیماً از طریق دادستان نظامی صالح شکایت خویش را ارائه دهند که در چنین صورتی دادسرای نظامی شروع به رسیدگی به شکایت می‌کند و اگر خود را صالح به رسیدگی نداند پرونده و شکوائیه تقدیمی را با صدور قرار عدم صلاحیت، جهت رسیدگی به دادسرای عمومی و انقلاب محل وقوع جرم خواهد فرستاد. لازم به ذکر است لازمه رسیدگی به شکایت اطرافیان مقتول یا متوفی، ارائه گواهی حصر وراثت است تا سمت آنان به عنوان شاکی مشخص شود. بنابراین خانواده مقتول یا متوفی در اولین فرصت باید جهت اخذ گواهی حصر وراثت از طریق شعب شورای حل اختلاف محل اقدام کنند. البته قبل از اخذ آن، که امکان دارد حداقل چند روز یا چند ماه طول بکشد، می‌توانند با ارائه استشهادیه و غیره به عنوان یکی از ورثه اقدام به شکایت کنند، ولی بعد از تشکیل پرونده و شروع تحقیقات ارائه گواهی حصر وراثت به عنوان سند گویای مثبت سمت شاکی و ذی‌نفع بودن وی، لازم و ضروری است.

#### ۴- مراجعی که خانواده‌ها می‌توانند با آن‌ها مکاتبه کنند

اگر شخصی مورد بازداشت یا تحت نظر قرار گرفت و بستگان و اعضای خانواده وی شاهد تخلفات ماموران یا مقامات قضایی شدند اما با

پیگیری موضوع به نتیجه نرسیدند، می‌توانند مراتب را بر حسب مورد با مراجعه حضوری یا به صورت نوشته و مکتوب به مراجع ذیل‌الذکر گزارش و تقاضای رسیدگی کنند. در صورتی که با مراجعه به مراکز انتظامی و امنیتی زندان، این مراجع از ارائه اطلاعات خودداری کنند می‌توانند به دادستان محل اعم از دادستان عمومی و انقلاب یا دادستان دادرسی نظامی یا مدیر کل دادگستری استان مراجعه کنند. زیرا تمامی ماموران به صورت روزانه، مکلف به ارائه گزارش و اعلام لیست بازداشتی‌ها به دادستان محل هستند و دادستان محل نیز ضمن ثبت مشخصات بازداشتی‌ها در دفتر مخصوص باید لیست مذکور را روزانه به مدیر کل دادگستری استان گزارش کند که در آن‌جا نیز به همین منوال ثبت می‌شود. بنابراین این مراجع از لیست تمامی اشخاص بازداشتی خبر دارند.

اگر مراجعه به مسئولین و مراکز مذکور منتج به نتیجه نشد یا خانواده و نزدیکان، با اطلاع از وضعیت متهم بازداشتی ملاحظه کردند که مقررات قانونی در مورد وی رعایت نمی‌گردد، می‌توانند علیه ماموران به حسب مورد در دادرسی‌های عمومی و انقلاب یا دادرسی نظامی، و علیه مقامات قضایی در دادرسی انتظامی قضات شکایت کنند. علاوه بر این، با توجه به طولانی‌بودن روند رسیدگی در این مراجع می‌توان مراتب را به مراجعی از قبیل دفتر رهبر جمهوری اسلامی، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، ستاد حقوق بشری مستقر در قوه قضاییه، دادستان کل کشور، حفاظت دادگستری شهرستان و استان و حفاظت کل قوه قضاییه، حفاظت و اطلاعات سازمان‌های متبوع ماموران بر حسب مورد و نیز دایره ارزشیابی قضات مستقر در ادارات کل دادگستری استان‌های متبوع گزارش داد.

## نکات مهم در ارتباط با زندان

هدف از مجازات حبس این است که فرد برای مدت معلومی از جامعه دور نگاه داشته شود. این امر به این معنا است که زندان صرفاً یک مجازات محدودکننده آزادی است، نه مجازاتی علیه جسم و جان و روح و روان افراد. به همین دلیل هر زندانی در دورانی که در زندان است حقوقی را دارا است. در ادامه برخی از این حقوق بررسی می‌شوند.

### ۱- تفکیک زندانیان

مسئولان زندان موظف هستند زندانیان را بر اساس جرم ارتكابی آنان و همچنین شرایط سنی‌شان از همدیگر جدا نگاه‌داری کنند. ماده ۳۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها می‌گوید:

زندان‌یان زیر جدا از دیگر زندانیان نگهداری می‌شوند:

الف- محکومان دارای بیش از هجده سال تا بیست و پنج سال سن

ب- محکومان جرایم سیاسی

پ- محکومان روحانی و نظامی

ت- محکومان مالی

ث- محکومان اتباع خارجی تا حد امکان

ج- محکومان دارای ناتوانی جسمی، روانی یا اختلال‌های هویت جنسیتی

چ- محکومان دارای بیماری‌های واگیردار بر اساس دستورالعمل‌های معاونت سلامت، اصلاح و تربیت سازمان.

البته شورای طبقه‌بندی زندان نیز می‌تواند علاوه بر موارد فوق تفکیک‌بندی انجام دهد. با توجه به این‌که جرایم سیاسی در حقوق ایران بسیار محدود هستند و اکثریت فعالان مدنی نیز در قالب جرایم امنیتی محاکمه می‌شوند مسئولان مربوطه معمولاً این افراد را در بندهای جداگانه نگاه‌داری نمی‌کنند. در بسیاری از زندان‌های کشور نیز بند امنیتی وجود ندارد.

## ۲- شرایط تفتیش بدنی

بر اساس قوانین و مقررات مربوط به زندانیان، ماموران می‌توانند زندانی را تفتیش بدنی کنند اما در این مقررات مشخص نشده است

که بازرسی‌ها باید دارای چه ضوابط و اصولی باشند. با توجه به اصول کلی می‌توان گفت که تفتیش بدنی نباید تحقیرآمیز و با کرامت انسانی در تعارض باشد. بازرسی به همراه عریان کردن زندانی و دست‌کشیدن به تمامی اندام‌ها و همچنین بازرسی مقعدی از طریق انگشت کاملاً در تعارض با شأن انسانی و تحقیرآمیز است. مسئولان زندان‌ها می‌توانند از دستگاه‌های الکتریکی برای بازرسی‌های بدنی استفاده کنند تا نیازی به چنین رفتارهای تحقیرآمیز نباشد.

### ۳- بدرقه زندانی

بدرقه زندانی در اصطلاح به معنی اعزام او به خارج از موسسه سپس بازگرداندن او به زندان است. در مورد بدرقه زندانیان، آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مقرر کرده است که زندانی باید مستقیماً به مرجع احضارکننده بدرقه شده و پس از انجام کار، بلافاصله به زندان برگردانده شود. بنابراین به نظر می‌رسد نگاه داشتن بی‌مورد زندانی در قفس‌های دادگستری برخلاف این مقررات باشد. همچنین هرگونه رفتار تحقیرآمیز با زندانی و آزار و اذیت او خلاف قوانین است و مأموران حق چنین رفتارهایی را ندارند.

### ۴- استفاده از کتاب‌ها و نشریات

طبق آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، زندانی می‌تواند از کتب و نشریات مجاز خود استفاده کرده و آن‌ها را به داخل زندان بیاورد؛ بنابراین مسئولان نمی‌توانند به تشخیص و سلیقه خود از ورود برخی کتاب‌های مجاز، به بهانه سیاسی بودن و غیره، جلوگیری کنند. به عبارتی زندانی می‌تواند هر کتاب و نشریه‌ای که با مجوز منتشر شده است را به

همراه خود به داخل زندان بیاورد.

## ۵- بازرسی وسایل زندانیان

آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مقرر کرده است که حداقل هر ماه یک بار از وسایل زندانیان بازرسی به عمل می‌آید اما این بازرسی‌ها نباید موجب تخریب وسایل زندانیان شده و آرامش و امنیت آن‌ها را برهم زند. ماموران بازرسی‌کننده باید با رعایت قواعد اخلاقی و انسانی این بازرسی‌ها را به عمل آورده و از ضبط اشیاء مجاز خودداری کنند.

## ۶- خوراک زندانیان

طبق آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، غذای زندانیان باید طی سه وعده و دارای کالری و ویتامین‌های کافی باشد. حداقل برنامه غذایی برای زندانیان بر اساس این آیین‌نامه چنین عنوان شده است: «در سه وعده صبحانه، ناهار و شام تغذیه لازم که دارای کالری و ویتامین‌های کافی باشد با چای و آب آشامیدنی سالم در اختیار زندانیان گذاشته می‌شود. در هر هفته حداقل دو بار به زندانیان میوه، سبزیجات، لبنیات و غذای با گوشت داده می‌شود.»

## ۷- وضعیت بهداشتی زندان‌ها

آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مقرر کرده که وسایل بهداشتی از قبیل حمام و مستراح باید به مقدار کافی باشد اما دقیقاً میزان آن‌ها را مشخص نکرده است. اما به هر حال ایجاد سختی و مشقت در استفاده

از امکانات رفاهی زندان خلاف قانون است. مسئولان زندان باید به مقدار کافی این امکانات را فراهم کنند، به طوری که تمام زندانیان بتوانند به راحتی از آن‌ها استفاده کنند.

## ۸- حق درمان

بر اساس مقررات موجود در صورت بیماری یک زندانی، بهداری باید فوراً نسبت به درمان وی اقدام کرده و در صورتی که درمان در زندان امکان‌پذیر نباشد ضروری است بیمار به مراکز درمانی خارج از زندان منتقل شود. در مورد بیماری‌های مسری نیز آیین‌نامه اجرایی صراحتاً ذکر کرده است که بهداری باید تمامی اقدامات لازم برای جلوگیری و درمان این بیماری‌ها را به عمل آورد. بر اساس قوانین زندانیان دارای بیماری‌های مسری خطرناک حتماً باید جداگانه نگهداری شوند. حق درمان یکی از حقوق اساسی زندانیان است و سازمان زندان‌ها باید به صورت رایگان زندانیان بیمار را تحت درمان قرار دهد. هیچ بهانه‌ای برای عدم درمان زندانیان بیمار از لحاظ قانونی پذیرفته شده نیست.

## ۹- نظافت زندان‌ها

رسیدگی به وضعیت بهداشتی و نظافتی زندان قطعاً بر عهده مسئولان است. بر اساس آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، برای جلوگیری از بیماری‌های مسری و آفت‌های بهداشتی مسئولان زندان موظفند تدابیری از جمله سم‌پاشی را انجام دهند.

## ۱۰- حق ملاقات

بر اساس آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، ملاقات یکی از حقوق

زندانی است. مدت ملاقات زندانیان به صورت ملاقات عمومی (کابینی) بیست تا سی دقیقه، حضوری سی تا شصت دقیقه، خصوصی چهار تا دوازده ساعت و ملاقات الکترونیکی (مجازی) پنج تا سی دقیقه است. مدت ملاقات طبق نظر رئیس موسسه یا قاضی اجرا تا دو برابر قابل افزایش است. پدر، مادر، همسر، فرزندان، برادر و خواهر حق ملاقات را خواهند داشت. افراد دیگر نیز با موافقت مسئولان زندان یا قاضی ناظر زندان می‌توانند برای ملاقات به زندان بروند. ایجاد محدودیت در حق ملاقات فقط زمانی امکان‌پذیر است که قاضی مربوطه ملاقات را خلاف روند دادرسی تشخیص دهد یا زندانی مرتکب تخلفی شده باشد. به غیر از این موارد هیچ مقامی نمی‌تواند در ملاقات زندانی با بستگانش مانع ایجاد کند. همچنین ملاقات با وکیل نیز تابع محدودیتی نیست و زندانی و وکیلش می‌توانند مرتب ملاقات داشته باشند.

## ۱۱- آزادی مشروط

آزادی مشروط یک امتیاز است و دادگاه صادرکننده حکم در این مورد تصمیم‌گیری می‌کند. ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی شرایط داراشدن آزادی مشروط را بیان کرده است:

در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک‌سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.



ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.

پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آن جا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

با این وجود گرچه اختیار اعطای آزادی مشروط نهایتاً در دست دادگاه است اما قاضی نمی‌تواند بدون دلیل با تقاضای آزادی مشروط مخالفت کند.

## ۱۲- مرخصی زندانیان

به طور کلی مرخصی از زندان در ایران انواع مختلفی دارد. یک نوع از مرخصی، استعلاجی است. یعنی هنگامی که یک زندانی دچار بیماری‌ای شود که نیاز به مراقبت و درمان در خارج از زندان داشته باشد، مشمول مرخصی خواهد شد. نوع دیگر مرخصی به دلیل ازدواج یا فوت بستگان درجه یک یعنی پدر، مادر، فرزند، همسر، برادر و خواهر است. در این موقع نیز زندانی از مرخصی بهره‌مند خواهد شد. نوع دیگری از مرخصی، مرخصی‌های ساده است که با کسب امتیازات لازم در زندان به زندانی اعطا می‌شود.

مورد اول و دوم یعنی مرخصی استعلاجی و مرخصی بر اثر فوت یا ازدواج اقربای درجه یک، حق زندانی است. بنابراین در این موارد مقامات زندان موظفند که به زندانی مرخصی دهند. اما مورد سوم یعنی مرخصی ساده نوعی امتیاز محسوب می‌شوند و زندانی حقی بر مرخصی

نخواهد داشت. بنابراین مرخصی در برخی موارد حق و در برخی موارد امتیاز محسوب می‌شود.

به طور کلی مرخصی زندانیان با توجه به آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها صورت می‌پذیرد، اما در برخی مواقع، به خصوص در اعیاد مذهبی یا عید نوروز، به صورت گسترده و بدون نیاز به کسب امتیازات لازم، به زندانیان مرخصی اعطا می‌شود. این نوع از مرخصی با بخشنامه‌های رئیس قوه قضاییه صورت می‌پذیرد.

مرخصی زندانیان سیاسی و امنیتی محدودیت‌هایی دارد و نیازمند اجازه دادستان است. در مورد مرخصی‌های الزامی یعنی مرخصی استعلاجی یا به سبب ازدواج و فوت بستگان نیز بعضاً مشاهده می‌شود مسئولان خلاف قانون اجازه مرخصی را نمی‌دهند. در مرخصی‌های ساده نیز تبعیضات غیرقانونی نسبت به زندانیان اعمال می‌شود.

### ۱۳- توهین و ضرب و شتم زندانیان

هر گونه توهین و ضرب و جرح زندانیان ممنوع و حتی جرم است. شیوه‌های تنبیه زندانی‌ها صراحتاً در قوانین و مقررات ذکر شده و تنبیه بدنی اکیداً ممنوع شده است. مسئولان زندان موظفند در کمال احترام و اخلاق با زندانیان رفتار کنند.

### ۱۴- سلول انفرادی

بر اساس آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها نگاه‌داری زندانی در انفرادی فقط زمانی امکان‌پذیر است که زندانی مرتکب تخلف در زندان شده باشد. یکی دیگر از موارد زندان انفرادی زمانی است که تحقیقات

مقدماتی شروع شده باشد و قاضی تشخیص دهد که برای جلوگیری از درز اطلاعات و مسائلی از این قبیل، زندانی باید در انفرادی نگه داشته شود. این امر در قانون پیش‌بینی نشده است ولی در عمل، به خصوص در مورد متهمان سیاسی، اتفاق می‌افتد.

### ۱۵- فروشگاه زندان

در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها تضمیناتی پیش‌بینی شده است تا قیمت اجناس فروشگاه عادلانه باشد. قیمت اجناس نمی‌تواند خیلی گران‌تر از خارج زندان باشد. مسئولان زندان باید بر قیمت اجناس در فروشگاه‌ها نظارت داشته باشند.

### ۱۶- مکاتبه زندانی با خارج از زندان

مکاتبه‌کردن یکی از مصادیق حقوق زندانی است که در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اصولاً نسبت به نامه‌های غیرمجرمانه نباید سخت‌گیری شود ولی آیین‌نامه اجرایی با ایجاد محدودیت‌های مبهم راه را برای سخت‌گیری مسئولان زندان در زمینه نامه‌نگاری زندانیان باز گذاشته است. به عنوان مثال در این آیین‌نامه ذکر شده است که: «نامه‌هایی که نوشته‌های آن مفسده‌انگیز یا مخالف با آیین‌نامه‌های موسسه یا زندان یا خلاف نظم و عفت عمومی و اخلاق حسنه بوده یا موجب هتک حرمت اشخاص شود یا متضمن الفاظ رکیک و مستهجن و ناسزا، تهدید و یا تهمت و افترا باشد و همچنین عرض حال‌های ناموجه و مکرر درباره موضوع‌هایی که از پیش مورد رسیدگی قرار گرفته و تهیه و ارسال آن‌ها صرفاً به منظور مزاحمت باشد، به دستور رئیس موسسه یا زندان ضبط شده و نویسنده نامه بر

اساس مقررات این آیین‌نامه تنبیه انضباطی و یا تحت تعقیب جزایی قرار خواهد گرفت.» حال آن‌که این مقررہ مبہم و کلی بوده و قطعاً خلاف اصول حقوق زندانیان است.

### ۱۷- دسترسی به خدمات وکیل

وکیل یک زندانی هر موقع که صلاح بداند می‌تواند با موکل خود در زندان ملاقات داشته باشد. دسترسی به خدمات وکیل یکی از حقوق اساسی زندانی است و فقط مقامات قضایی به صورت موقتی و با وجود دلایل موجه می‌توانند این حق زندانی را محدود کنند. با وجود این، در عمل مسئولان زندان یا مقامات قضایی در پرونده‌های سیاسی و امنیتی ملاقات وکیل با زندانی را محدود می‌کنند که بر خلاف قانون است.

### ۱۸- تماس با نزدیکان، پس از بازداشت

بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری متهم می‌تواند بلافاصله پس از بازداشت خود، خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطین باید در این مورد مساعدت لازم را کرده و نمی‌توانند مانع این امر شوند. مگر این‌که دلیل موجهی وجود داشته و مقام قضایی دستور دهد.

### ۱۹- شرایط بازجویی

از جمله رفتارهای غیرقانونی در حین بازجویی: نگاه‌داری متهم در سلول‌های انفرادی، بستن چشم متهم، نشستن پشت سر متهم، انتقال

متهم به مکان‌های نامعلوم، تحقیر و توهین متهم، شکنجه و هر گونه اذیت و آزار جسمی و روحی متهم، ورود به مباحث غیرمرتبط با جرم و مداخله در امور خصوصی متهم، اغفال و فریب متهم و تلقین به وی و ممانعت از دسترسی به امکانات بهداشتی و پزشکی.

## ۲۰- تماس با وکیل، پس از بازداشت

هر فرد بازداشت شده به محض بازداشت می‌تواند ملاقات با وکیلش را تقاضا کند. طبق قانون آیین دادرسی کیفری متهم می‌تواند با شروع تحت نظر قرارگرفتن تقاضای ملاقات با وکیل را کند. این امر یکی از حقوق اساسی متهم است و هیچ مقامی نمی‌تواند آن را محدود کند. فقط در جرایم امنیتی در مرحله تحقیقات مقدماتی وکلایی می‌توانند وکالت کنند که از طرف رئیس قوه قضاییه تایید شده باشند. البته این مقرر در قانون آیین دادرسی خلاف قانون و حقوق متهم است.

## ۲۱- حبس در محل اقامت

زندانی این حق را دارد که در محل اقامت خود تحمل حبس کند. تبصره ۳ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری:

در صورتی که محل اقامت محکوم به حبس، خارج از حوزه دادگاه صادرکننده حکم باشد، نامبرده برای تحمل ادامه حبس به زندان محل اقامت خود منتقل می‌شود؛ مگر این‌که این امر موجب مفسده باشد که در این صورت با تشخیص قاضی صادرکننده رای قطعی به نزدیک‌ترین زندان به محل اقامت خود منتقل می‌شود. هزینه انتقال از

محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می شود.

## ۲۲- آزادی پس از پایان محکومیت

زندانی باید به محض اتمام مدت محکومیتش از زندان آزاد شود و هیچ مقامی نمی تواند محکومی را که مدت محکومیتش به پایان رسیده است آزاد نکند. این امر بازداشت غیرقانونی بوده و جرم است.

